

# آرمان ملت

## ارگان حزب ملت ایران

سال یکم شماره ۱۶ سه شنبه بیست و چهارم تیر ماه ۱۳۵۹ بها ۱۵ ریال

# در شرق دور خبری هست

دوقدرت بزرگ کمونیزم به ستیز با یکدیگر کمر بسته‌اند و کاپیتالیسم به داوری نشسته است.

در صفحه سوم

# حضور روحانیت در صحنه‌های سیاسی زندگی ملی ایرانیان

ایرانیان با همه وجود اسلام را پذیرفته‌اند و ایرانیت و اسلامیت از یکدیگر جدا نخواهد شد.

## مسجد یا سنگر خونین انقلاب ماه رمضان را به ماه تزکیه نفس و خودسازی بدل کنیم

مهمترین نهادی که در اسلام از لحاظ اجتماعی و آموزشی و سیاسی نقش بنیادی و سازنده داشته و از زمان رسول خدا (ص) تاکنون در تمام

مغولان و ایلخانان نه تنها بدور از فرهنگ ایرانی و بنیادهای اسلامی نبود بلکه در این راه ممارست و تداوم آن سان نشان داده شد که قومهای مهاجم پس از چند دهه، خود در زمره بقیه در صفحه پنجم

## باید ریشه‌های امید دشمن را خشک کرد

سرکوب شدن توطئه نباید دست اندرکاران حکومت را دچار غرور سازد.

یکبار دیگر بیگانگان، برای برهم زدن نظام جمهوری اسلامی ایران دست‌آلوده خود را به هوا بردند، دست آنان در هوا خشکید و مجال هیچ تلاش و تکاپویی نیافتند.

دشمن بدسکال نزار تر از پیش بر جا فرو ماند و ملت ما از ورطه‌ای خطرناک رهائی یافت. توطئه‌ای که سرکوب شد، نخستین توطئه دشمن نبود و بی هیچ گفتگو، واپسین آنها هم نخواهد بود. دشمن به تلاشهای دیگر بر خواهد خاست و هر تلاش که شکست بخورد، تلاش تازه‌ای به دنبال خواهد داشت و ما هم باید آماده باشیم تا هر تلاش دشمن را با هشیاری و قدرت بی‌اثر سازیم.

بی‌اثر ساختن تلاشهای دشمن، تنها در مبارزه نظامی به بار نمی‌آید، باید همه زمینه‌هایی را که دشمن در بسیج نیرو از آنها سود می‌برد، یکسره از میان برداشت.

در هم شکستن تلاشهای دشمن، فقط در رویارویی با وی حاصل نمی‌آید، باید ریشه‌های امید دشمن را خشک کرد تا از پی گیری توطئه‌های ضد ایرانی خود دست بردارد. تلاش دشمنان انقلاب اسلامی ملت ایران هر اندازه ناچیز و بی‌ثمر باشد، وقت گیر و آزار دهنده است نیروی سازنده مردم را که باید به آبادسازی میهن صرف شود، تحلیل می‌برد.

برای آنکه یکبار و برای همیشه بر این ماجراها نقطه پایان گذارده شود باید در پی سرکوب کردن دشمن، زمینه‌های امید وی هم از میان برداشته شود.

زمینه‌های امید دشمن، در پراکندگی نیروها و در ناخرسندی‌هایی است که این سو و آن سو پدیدار می‌شود. زمینه‌های امید دشمن در نا کارآئی اداری، و در آشفتگی‌های اقتصادی ما است.

در پی سرکوبی دشمن، نباید آسوده بنشینیم، باید به یک بررسی دقیق و کامل ملی بپردازیم و باید کارنامه هفده ماهه دوران سازندگی انقلاب را مرور کنیم تا روشن شود که کجا و چگونه زمینه امید برای دشمن پدید آورده‌ایم.

در فردای پیروزی انقلاب، دشمن هر امید خود را از کف داده بود و یکبار چگی نیروهای انقلاب، قدرت هر حرکت را در ذهن وی فرو می‌کشت ولی با پدید آمدن پراکندگی در نیروهای انقلابی و با پدید آمدن نابسامانی‌های اداری و اقتصادی، دشمن از پا افتاده تجدید روحیه کرد و امید در ذهنش پدیدار شد.

همه کسانی که در دام دشمن فرو افتادند و به یاری وی شتافتند، از وابستگی «نظام سلطنتی» واژگون شده نیستند، بسیاری از ایشان بعد از همه پاک سازی‌ها و پس از همه رسیدگی‌ها، شایسته خدمت در ارتش جمهوری اسلامی ایران شناخته شدند. اکنون بقیه در صفحه دوم

ملت با تعریف حد و رسم یافته انسانی و فرهنگی و جغرافیایی از دیرباز استقلال خود را در رابطه با سلطه‌های برون مرزی و آزادی خود را در رابطه با کانونهای ویرانگر سیاسی و اقتصادی درون مرزی پاسداری کرده و همین امر خود، کارساز حیات ملی در روند شکل گیری تاریخی بوده است. در دفاع از «هویت ملی» همه گاه بخشهای چندگانه جامعه بسیج گردیده‌اند و بر ضد دشمنان استقلال و آزادی که غالبا با یکدیگر «مجموعه» داده‌اند، ارزشهای برین جامعه چون آموزشهای دینی و عنصرهای حرکت آفرین فرهنگ، کارائی بنیادی خود را آشکار ساخته‌اند. این ویژگی تاریخی در همه جنبشهای دینی و سیاسی ملت، از روزگار کهن به چشم می‌خورد.

در دوره اسلامی تاریخ ایران شواهد و نشانه‌های فراوان دارد که می‌تواند همگامی نهادهای مذهبی و جنبش استقلال را باز یابی نماید:

- حرکت‌های مردم ایران بر ضد سلطه امویان و عباسیان که اسلام محمدی را فدای منافع و مطامع حکومت نژاد گرای خود کرده بودند، از تعلیمات راستین قرآن الهام میگرفت.

- مقاومت‌های ایرانیان در برابر ترکان مهاجم آسیای مرکزی و

پس از پیروزی انقلاب بیکاری، بوضع وحشت آوری جامعه و حکومت را تهدید میکند، سیاه بیکاران که پس از خوابیدن کارهای ساختمانی و کوشا نشدن صحیح کارگاهها و کارخانه‌های صنعتی، و به تعطیل کشیدن واحدهای کشاورزی و دامداری، بوجود آمده است و فارغ التحصیلان و دیپلمه‌های بیکار نیز بدان افزوده گردیده.

پس از پیروزی انقلاب به همت مردانی که عهده‌دار وزارت کار و امور اجتماعی گردیدند صنایع تعطیل شده ما بحرکت درآمد و صدها کارخانه را کد که صاحبان آن گریخته و یا نظام تولید آن در هم شکسته شده بود، دو باره بکار افتاد، ولی نداشتن برنامه

صحیح اقتصادی و تولیدی سبب شد که پس از یکسال و نیم که از پیروزی انقلاب میگذرد صنعت جوان کشور با ناکامی‌های فراوانی روبرو شود، دشواری تهیه مواد اولیه و قطعه‌های یدکی، نارسائی‌های کارگاهی، نداشتن مدیران آگاه و با تجربه و وجود شوراهای دخالتگر از جمله علت‌هایی است که صنایع ما را با



دست مریزاد

## درهای مرکزهای آموزش عالی را باز کنید.

جوانان را در ابهام و بیم از آینده قرار ندهید.

هیچکدام نمی‌دانند، دانشگاهها و مدرسه‌های عالی چه زمانی باز خواهد شد. کنکور چه هنگام و چگونه برگزار خواهد گشت، چه رشته‌های درسی به جا خواهد ماند و چه تحولی در آموزش عالی پدید خواهد آمد، ورشته‌های تحصیلی که به جا می‌مانند چه شمار دانشجو خواهند پذیرفت.

انبوه عظیم جوانان ما بی‌تکلیف مانده‌اند. ایستادن از تنظیم هر برنامه برای آینده خود ناتوان‌اند. آینده چون گردبادی پرابهام و مهیب بر روح و اعصاب جوانان ما تازیانه می‌زند.

بقیه در صفحه چهارم

## نیازهای اجتماعی باخسونت بر آورده نمیشود

# مشکل بیکاری و مسئله دکه داران

نارسائی‌های فراوانی روبرو کرده و سبب تعطیل و کم کاری این بخش از اقتصاد کشور شده است، از طرفی دیگر نداشتن سیاست بقیه در صفحه هفتم

تهدیه مواد اولیه و قطعه‌های یدکی، نارسائی‌های کارگاهی، نداشتن مدیران آگاه و با تجربه و وجود شوراهای دخالتگر از جمله علت‌هایی است که صنایع ما را با

صحیح اقتصادی و تولیدی سبب شد که پس از یکسال و نیم که از پیروزی انقلاب میگذرد صنعت جوان کشور با ناکامی‌های فراوانی روبرو شود، دشواری

## بازرگانی خارجی باید به سرعت ملی شود. اثرهای شوم «سیاست دروازه‌های باز» را از یاد نبرید.

کمیته هماهنگی شوراهای اسلامی کارخانجات نساجی (ریسندگی) طی نامه سرگشاده‌ای به وزارت بازرگانی از فاجعه ورود نخ و لطمه‌هایی که به احتمال بر صنعت ریسندگی ایران وارد می‌آورد سخن گفته است.

بقیه در صفحه هفتم

با احساس کمترین نیاز، بازار داخلی را به روی کالاهای خارجی نگشاید.

# تداوم انقلاب، در گرو ایجاد دولت با اقتدار است



ارگان حزب ملت ایران

### باید ریشه‌های امید

باید دید چه شده است که اینان از پشتیبانی انقلاب رخ بر تافته و به راه دشمن گام نهاده‌اند. چرا گروهی از مردم ایران، از مهر ملت خود و از رهنمودهای بلند مذهب خود، چنان دل می‌کنند که آماده کشتار هم میهنان خود می‌شوند و کدام انگیزه در ایشان چنین حال هجوم و روح غیر ملی دمیده است.

درباره سران و کاربدستان دستگاه استبدادی وابسته به بیگانه که ایران را به روز سیاه نشانند به آسانی میتوان چگونگی پدید آمدن روحیه‌های غیر ملی را روشن ساخت ولی درباره خلیان یا افسر و درجه‌دار ساده‌ای که از میان مردم برخاسته و در میان مردم زندگی میکند، چگونه میتوان پدید آمدن این روحیه را توضیح داد.

اینان که به توطئه بر ضد ملت خود برخاسته‌اند بی‌گفتگو سزاوار کیفراند ولی کیفر دادن ایشان، پاسخ کامل به مسئله نیست، این پاسخ آنگاه کامل است که عامل‌های پدید آورنده چنین روحیه‌هایی شناخته واز میان برداشته شوند.

بیان اینکه، همه توطئه‌گران در نطفه وجود خویش خصلتهایی ضد انقلابی داشته‌اند، آسان کردن مسئله و فرار کردن از پاسخ روشن و درست است و بی‌گفتگو با شیوه‌های برخورد مناسب، ممکن می‌بود، بسیاری از کسانی که به این توطئه کشانده شدند به خدمتگزارانی میهن خواه بدل نمود. در طول هفده ماه گذشته می‌بایست، توانسته باشیم که گروه‌هایی از وابستگان نظام گذشته را به انقلاب اسلامی ملت ایران آشنا و فادار سازیم، ولی نه تنها چنین نشده است، بلکه گروه‌هایی از پویندگان راه این انقلاب بزرگ را هم دل‌سرد و افسرده کرده‌ایم و زمینه‌های امید دشمن و انگیزه‌های توطئه‌گران از هم اینجا می‌جوشد.

توطئه دشمن سرگوب شده است و هر توطئه دیگر هم سرگوب خواهد شد ولی پیروزی واقعی انقلاب آنگاه حاصل می‌آید که در ذهن هیچ گروه اجتماعی اندیشه جدا شدن از ملت پدید نیاید.

ما دشمن را سرگوب کرده‌ایم، ولی همینقدر که دشمن توانسته است در درون خانه ما یارانی بر خود به جوید، بارگانهی سنگین بردوش ما می‌نهد.

ما توانسته‌ایم از افرادی پیروزی انقلاب بر شمار یاران خود بیفزائیم، و دست کم گروه‌هایی از یاران خود را هم به کسج انزوا فرستاده‌ایم ولی دشمن توانسته است در این مدت در درون خانه ما، یارگیری کند که هر اندازه کوچک و ناچیز باشد، باز هم از غفلت‌ها حکایت می‌کند.

سرگوب شدن توطئه دشمن نباید دست اندر کاران حکومت را دچار غرور سازد و فقط به یک جنبه موضوع نگاه کنند، بلکه باید با دیدنی همه جانبه، جلوه‌های گوناگون حادثه را بازشناسی نمایند.

یکی از اساسی‌ترین جلوه‌های این ماجرای دردناک همین گرایش بعضی از مردم عادی میهن ما به دشمن است.

ما بارها و بارها در نوشتارهای خود از پدید آمدن روح سرخوردگی و دل‌مردگی در جامعه یاد کرده‌ایم و همین روحیه سرخورده و دل‌مرد است که زمینه یارگیری دشمن را فراهم می‌آورد. ما میتوانستیم، و به آسانی هم میتوانستیم که از پدید آمدن چنین روحیه‌هایی در جامعه جلوگیری کنیم، ما میتوانستیم و به آسانی هم میتوانستیم که بسیاری از آنان را که در صف دشمن جای گرفته و بر چهره ملت خود تیغ بر کشیده‌اند، در صف خود جای دهیم و نیروی آنان را

دربازسازی میهن به کار گیریم. اجرای این خواسته، یکی از اساسی‌ترین وظایف‌های کاربدستان حکومتی بوده است که در اجرای آن غفلت شده و این پیامدها را به بار آورده است.

اینک می‌باید به راستی به خود آمد و نارسائی شیوه‌های گرداندن کارهای کشور را دریافت و با سرعت همه آنها را از میان برد.

باید همه نابسامانی‌های اداری و اقتصادی را به یکباره برکنند، نباید از تحقیر و توهین گروه‌های اجتماعی گوناگون به طور قطع و یقین در گذشت، باید اندیشه انحصارگری را از نظام حکومتی برانداخت، باید میدان کار و تلاش را بر استعدادها گشاده داشت و باید چنان کرد، که یاران دیرینه دشمن هم از گردوی پراکنده شوند تا توطئه علیه انقلاب اسلامی ملت ایران به افسانه‌ها سپرده شود.

گفته‌ایم و اینک هم می‌گوئیم و باز هم خواهیم گفت که قدرت و حرمت انقلاب آنگاه فزونی می‌گیرد که اندیشه توطئه علیه آن در ذهن هیچکس برانگیخته

### بفرنج گوشت با گران کردن آن حل نمیشود

بفرنجی در آمده ریرا نظام استبدادی وابسته به بیگانه در گذشته باعث نابودی کشاورزی و ویرانی روستاها و از بین رفتن دامداری سنتی روستائی و ایلی ایران شد، هر ساله گوشت را از خارج تأمین میکردند و با از بین بردن گله‌داری و دامپروری صدمات جبران ناپذیری به اقتصاد کشور وارد آوردند.

پس از پیروزی انقلاب دولت موقت و سپس دولت برگزیده شورای انقلاب نیز از حل بنیادی بفرنج گوشت عاجز ماند و روش نادرست گذشته را در کار تأمین گوشت مورد نیاز کشور کماکان

قبل از اعلام نرخ جدید گوشت از طرف وزارت کشاورزی و عمران روستائی، گوشت گران و کمیاب بود، البته گران و کمیاب برای مردم کم درآمد و حقوق بگیر، برای آن کسانی که امکان خرید گوشت بقیمت کیلویی هشتصد ریال را نداشتند و برای خرید یک کیلو گوشت ناچار بودند با کارت‌هایی که در محلات تهران تقسیم شده بود روزهای مشخصی را برای دریافت گوشت به نرخ دولت به قصابی مراجعه و پس از ساعتها انتظار در صف، گوشتی که از کیفیت خوبی نیز برخوردار نبود نصیبشان شود.

در همان موقع در بسیاری از فرورنگارها و قصابی‌ها بهترین گوشت‌ها در انتظار مراجعه پولدارها و کسانی بود که حتی زحمت پرسیدن قیمت آنرا نیز بخود نمیدادند و حاضر بپرداخت هر قیمتی می‌بودند، ولی چند روزی است که با تصمیم اخیر وزارت کشاورزی و عمران روستائی صف‌های طولانی در جلوی قصابی‌ها که گوشت را بقیمت دولتی می‌فروختند بچشم نمی‌خورد زیرا مردم کم درآمد و زحمتکش از خوردن گوشت صرف نظر کرده‌اند و پولدارها هم که برای خرید گوشت بطرف چنین قصابی‌هایی نمی‌آیند، آنها گوشت بخصوص خود را که از کیفیت عالی برخوردار است بهمان قیمت‌های گذشته و با بیشتر خریداری میکنند.

فقط نرخ‌بندی جدید دولتی که بهای گوشت را بیش از صد درصد افزایش داده است سبب عدم مراجعه مردم عادی برای خرید گوشت شده است.

دولت نرخ گوشت سرد (پخ‌زده) را کیلویی دویست و پنجاه ریال و گوشت گرم (تازه) را کیلویی چهارصد ریال تعیین نموده و بقصابی‌هایی که سهمیه دولتی دارند تحویل میدهد و این وضع برای کارگران و کارمندان و مردم کم درآمد امکان خرید باقی نمی‌گذارد.

وزارت کشاورزی و عمران روستائی از افتخارهای خود میداند که گوشت را در هشت استان بقیمت مساوی عرضه میکند که البته در سابق فقط در تهران و اصفهان چنین بود. شاید کار بدستان این وزارت خانه تصور نمایند که خدمت شایسته‌ای انجام داده‌اند، در صورتیکه با نرخ‌بندی جدید امکان خرید را از کلیه مردم کم درآمد سلب نموده و در عمل مانع خرید آنها و در نتیجه از بین رفتن صف‌های طولانی گردیده‌اند.

کار گوشت سالهاست بصورت

**آگهی ابلاغ وقت دادرسی به آقای قاسم کریمخان و مجتبی مقدسیان**  
موضوع دعوی گروه صنعتی خاور علیه شما در پرونده کلاسه ۶۹/۵۹ روز سه شنبه ۵۹/۱۰/۲۳ ساعت ۸/۵ صبح جهت رسیدگی دوشنبه ۲۱ دادگاه عمومی حاضر شوید. م- الف ۸۵۷۱  
مدیر دفتر شعبه ۲۱ دادگاه عمومی تهران شاه‌حیدری

**آگهی حصر وراثت**  
خانم مینا از م به شناسنامه ۱۴۴۱ اباد کو به ب شرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵- این شعبه توضیح داده شادروان ۱۳۳۵- این شعبه توضیح داده شادروان رقیقه از م به شناسنامه ۱۷۴۵۱ در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۲۱ در گذشته وراثت حین‌الفوت آن مرحومه عبارتند از ۱- متقاضیه با مشخصات فوق‌الذکر مادر متوفی ۲- حمداله ارام به شناسنامه ۶۲۰۹۲ صادره از اردبیل همسر دائمی متوفی و زوجه دیگری ندارد.

لذا مراتب به نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم و الا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. م الف ۸۵۷۶-۱-۳  
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

**آگهی حصر وراثت**  
خانم علیه میرطاهری شناسنامه ۶۴ زنجان شرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵- این شعبه توضیح داده شادروان احمد آقامیری به شناسنامه ۳۷۹۳ در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۶ در گذشته وراثت حین‌الفوت آن مرحومه عبارتند از ۱- متقاضیه با مشخصات فوق‌الذکر ۲- سیده فریده آقامیری به شناسنامه ۶۴۳۸ صادره از اهر ۳- شرعیه آقامیری به شناسنامه ۹۲۷۱ صادره از زنجان ۴- محصومه آقامیری به شناسنامه ۱۲۱۹۲ صادره از تهران دختران متوفی ۵- سیدامیر علی آقامیری به شناسنامه ۳ صادره از اهر پسر متوفی و زوجه دیگری ندارد.

لذا مراتب به نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم و الا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. م الف ۸۵۷۷-۱-۳  
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

نشود، کسان را به دشمنی کشاندن و سپس به سرکوبی آنان ایستادن، شیوه‌ی درست حکومت کردن نیست.

مردم در سرکوب کردن توطئه پیروز شدند و هر توطئه دیگر را هم سرکوب می‌کنند و پیروز میشوند و انقلاب اسلامی ملت ایران را از هر خطر، هر قدر هم بزرگ باشد، می‌رهانند ولی پیروزی راستین آن روز است که توطئه‌ای در کار نباشد تا به سرکوبی آن نیاز افتد، ما میتوانیم و باید شرائطی به وجود آوریم که اندیشه توطئه از میان برود.

ادامه داد و به وارد کردن پسنجیده آن پرداخت و تاکنون برای رفع این دشواری قدم شتی از نظر احیاء گله‌داری و دامپروری برداشته است.

اجرای طرح‌های کوتاه مدت مانند تغییر شکل در واردات گوشت دردی را درمان نخواهد کرد و وابستگی کشور به خارج برای تأمین این ماده حیاتی حفظ خواهد شد.

وزارت کشاورزی و عمران روستائی باید با ارائه راه‌حلهای عملی و استفاده از تخصص‌های کنار گذاشته شده، بکوشد که با

سیاستی درست مراتع ایران را آباد و پر بار و گله‌داری و دامپروری را در سطح روستا و سرزمینهای ایل نشین، رونقی دوباره بخشد و کشور را از ورود این ماده حیاتی بی‌نیاز سازد.

شایسته است با تصمیمهای سنجیده و درست مانع نابودی و تقسیم مراتع و علوفه رازها شود و با ایجاد امنیت شغلی، کوشش براه اندازی گله‌داری و دامپروری نماید.

بالا بردن قیمت‌ها بجز ایجاد تورم و سلب قدرت خرید از کارگران و کارمندان و مردم کم درآمد پی‌آمد دیگری نخواهد داشت.

۷۹۷۷- م الف

**آگهی حصر وراثت**  
آقای حیدررضا ابراهیمی اصل بشاسنامه ۵۸۰ تهران شرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵- این شعبه توضیح داده شادروان جلال ابراهیمی اصل به شناسنامه ۱۵۲۹۸ در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۲۳ در گذشته وراثت حین‌الفوت آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضیه با مشخصات فوق‌الذکر ۲- عبدالرضا ابراهیمی اصل به شناسنامه ۲۳۰۶ صادره از تهران ۳- محمدرضا ابراهیمی اصل به شناسنامه ۵۸۸ صادره از تهران ۴- ناصر ابراهیمی اصل به شناسنامه ۱۷۳۰ صادره از تهران متوفی ۵- اقدس فرجادی به شناسنامه ۱۴۴۳ صادره از هشتگرد عیال دائمی متوفی و زوجه دیگری ندارد.

لذا مراتب به نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم و الا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

۳-۱  
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

۷۹۷۸- م الف

**آگهی حصر وراثت**  
خانم عدلیه مرادی بشاسنامه ۲۲- میانه بشرح دادخواست کلاسه ۳۵-۵۹- ۱۱۲۵ این شعبه توضیح داده شادروان قاسم صنعتی رضایور بشاسنامه ۵۷۴۱۹ در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۲۳ در گذشته وراثت حین‌الفوت آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضیه با مشخصات فوق‌الذکر عیال دائمی متوفی ۲- احمد صنعتی رضایور بشاسنامه ۵۳۲۷ صادره از تهران ۳- رضا صنعتی رضایور بشاسنامه ۳۲۵۸۳ صادره از تهران ۴- نادر صنعتی رضایور بشاسنامه ۲۸۲۱ صادره از تهران ۵٪ سایر صنعتی رضایور بشاسنامه ۲۰۹۹ صادره از تهران ۶- ناصر صنعتی رضایور بشاسنامه ۶۸۰ صادره از تهران پسران متوفی و زوجه دیگری ندارد.

لذا مراتب به نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم و الا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

۳-۱  
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

۷۹۸۱- م الف

**آگهی حصر وراثت**  
آقای سیدرضا حبیبی شناسنامه ۴۱ فرزند سیدعلی ساکن قمصر از این دادگاه در خواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که مرحوم مندنی بیگم حبیبی قمصری شناسنامه ۲۵۳۱/۱۰/۱ در تاریخ ۱۹۶۶ در قمصر در کاشان جایگاه دائمی خود فوت و وراثت آن مرحوم عبارتست از یک متقاضی ۲- سیدعباس حبیبی قمصری شناسنامه ۴۴ پسران ۳- طلعت حبیبی قمصری شناسنامه ۵۷ ۴- فاطمه حبیبی قمصری شناسنامه ۱۷۸۱ ۵- نازنین خانم حبیبی قمصری شناسنامه ۱۸۰ ۶- کبری حبیبی قمصری شناسنامه ۶۴ ۷- جمیله خانم حبیبی قمصری شناسنامه ۸- سیدعلی حبیبی قمصری شناسنامه ۱۱۹۷ شوهر متوفی غیر از نامبردگان وراثت دیگری ندارد: اینک با انجام تشریفات مقدماتی در خواست مزبور را در سه نوبت پی‌دربی ماهی یک مرتبه آگهی مینماید تا هر کس اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از متوفی نزد او میباشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم و الا گواهی صادر و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلاثر خواهد بود.

۳-۱  
رئیس دادگاه صلح شهرستان کاشان: حمید محمدی

پرونده ۱۰۱ صلح

**آگهی مزایده**  
بموجب اجرائیه صادره از اداره کار و امور اجتماعی تهران که آقای محمدرضا علومی و ۳۴ نفر دیگر و علیه باشگاه تهران بکلاسه ۶۴۹ شش‌دانگ ملک باشگاه تهران پلاک شماره دو فرعی از ۱۲۶۰ و ۱۱۸۸ اصلی واقع در بخش دو تهران خیابان فردوسی خیابان کوشک بمساحت ۴۱۴۵ متر مربع کلا بصورت یک باغ و دارای ساختمانی در سمت شمال شامل چهار اطاق یک طبقه و استخر روپوشیده در سمت جنوب ساختمان دو طبقه دارای ۱۲ اطاق بزرگ و سالن و آشپزخانه در هر طبقه و سالن و اطاقها دارای گچ بری قدیمی و در بهای چوب گردو مرغوب مثبت کاری شده و دارای آب و برق و تلفن ملکی باشگاه تهران از طرف این اجراء تحت تأمین و بازداشت درآمده و کارشناس رسمی دادگستری پلاکهای مذکور را با عرصه و اعیان کلا بمبلغ دویست و سی میلیون ریال ارزیابی نموده و مقرر است پلاک مذکور در روز ۵۹/۵/۱۱ ساعت ۱۲ ظهر الی ۲ بعدازظهر در اجرای دادگاههای عمومی تهران واقع در کاخ دادگستری خیابان داور ضلع جنوب شرقی از طریق مزایده بفروش میرسد طالبین میتوانند در روز و ساعت بالا در اجراء حاضر و در مزایده شرکت نمایند مزایده از قیمت تعیین شده وسیله کارشناس شروع و به کسانی که بالاترین قیمت را خریدار باشند واگذار خواهد شد و کلیه هزینه‌های قانونی بعهده خریدار است ملک مذکور فعلاً در اختیار سازمان رفاه ملی نابیایان است و پس از فروش ملک بلافاصله آنجا را تخلیه خواهند کرد  
مدیر اجرای دادگاههای عمومی تهران- محمد رحیم زارعی

## مرکزهای قدرت خودکامه را برچینید



# در شرق دور خبری هست

## دو قدرت بزرگ کمونیزم به ستیز با یکدیگر کمر بسته‌اند و کاپیتالیسم به دآوری نشسته است.

آقای کارتر در مراسم بزرگداشت تنبو، که پس از گذشت وی، در بلگراد برگزار شد حضور نیافت. زیرا نمی‌خواست با برنرف که در این مراسم حاضر بود دیدار کند. ولی برای شرکت در مراسم بزرگداشت نخست‌وزیر در گذشته ژاپن، او هیرا، به شتاب رهسپار توکیو شد، زیرا می‌خواست که با هواکوئونگ، صدر حزب کمونیست چین که به توکیو آمده بود، دیدار کند. شتاب آقای کارتر برای دیدار از هواکوئونگ در خاک ژاپن نشان‌دهنده رویدادهای پراهمیت منطقه است.

به راستی در شرق آسیا جریان‌هایی می‌گذرد که بر همه سوختوساز سیاست جهانی سایه افکنده است. آنچه در شرق آسیا می‌گذرد روسیه را سحت به وحشت افکنده، و آمریکا را امیدوار ساخته، و در اروپا نگرانی آغشته به ابهام دمیده است.

بارها، تاریخ‌شاسان برجسته جهان، همانند فرانتس آلتهایم، یادآور شده‌اند که سیر اصلی رود پر خروش تاریخ از شرق به غرب است. تاریخ عبارت از وارد شدن ضربه پر قدرت شرق به غرب، و واکنش غرب در برابر این ضربه است. زمانی هوپنا تازیانه در آلود خود را بر فرق اروپا می‌گرفتند تا همگان بدانند که «هون یعنی چه». و گاهی ایرانیان بر آبهای جداکننده اروپا و آسیا از قایق پل می‌بستند و بر اروپا گام می‌زدند تا اروپائیان بدانند که مدیترانه فقط یک دریای اروپایی نیست. و همین ایرانیان صدها سال، پیش از آنکه مسیح در وجود آید تا جنگ جهانی اول، دست پر قدرت خود را به آبهای نیلی‌رنگ مدیترانه دراز می‌کردند. و در همه این مدت کرانه‌های این دریای پر برکت همانند پهنه موج‌های آن صحنه نبردها و دلیری‌ها بود. ولی پس از آنکه آدمی اقیانوسها را درنوردید و به دنیای تازه قدم گذاشت مدیترانه رقیب بزرگی بنام آتلانتیک پیدا کرد. ملت‌های آتلانتیک سر برافراشتند و بر بخش بزرگی از جهان سلطه یافتند.

پس همه تاریخ‌شاسان به اشتباه پنداشتند که دوران شرق تمام شده و جرج بار کلی نوشت «امپراطوری‌ها به سوی معر-راه می‌برند».

امپراطوری‌ها در مغرب به کوچه بی‌بست بر خوردند. پس دوباره به سوی شرق نگرستند. غرب اروپا که بیش از هزارسال خود را در کوچه بی‌بست بیزانس، زبون یافته بود شادمانه بر امواج پاسیفیک بادبان افراشت.

قدرتهای آتلانتیک به ساکنان ساحلهای پاسیفیک فخر فروختند، و راههای آسیای غربی و آسیای میانه را از نظر افکندند، و موج دریا را بر درشتی سنگ گذرگاههای پرخطر پیشین رجحان نهادند.

ولی امپراطوری‌های غربی ندانستند که امپراطوری‌ها، از مغرب به دورترین کرانه‌های شرق راه می‌برد و روسیه به گونه نهاد یک قدرت غربی ضرب شست ژاپن را چشید و از آن پس روشن شد که آفتاب همواره از شرق بر می‌آید. و خانم پزستاری که از قلعه «دین بین فو» گریخته بود برای همه اروپائیان حکایت طلوع آفتاب شرق را باز گفت. و از آن روز دیگر همه دانستند که به راستی آفتاب در شرق غروب نمی‌کند و همیگویی به گونه نماینده شهروندان با فرهنگ دنیای تازه طلوع همواره آفتاب را می‌دید اما دریافت که حاستگاه همیشگی این گوی آتشین در شرق است.

امپراطوری‌های بدسگال اروپایی پس از جنگ دوم و پس از رفو کردن اقتصاد و جامعه‌شناسی از هم دریده خود، کوشیدند تا در مواز نه قدرتهای قاره‌ای و آتلانتیکی، وزنه برنده باشند. اما ندانستند که آنان چه بخواهند و چه نخواهند همه تخم‌رغهایشان در زنبیل آتلانتیک چیده شده است. و این موضوع تاریخی سرانجام از آن شرق شد.

دو قدرت بزرگ جهانی، قدرت قاره‌ای و قدرت آتلانتیکی برای وصال عروس بی‌زبور شرق کابین ارائه کردند. ولی روزی که در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد برای پاسخگویی به تجاوز به کره جنوبی رای گیری میشد نماینده قدرت قاره‌ای به اشتباه از جلسه خارج شد او پنداشته بود که رودر رو کردن قدرت آتلانتیک و امپراطوری دیرپای شرق جادوی وصال جاودان است. پندار وی از دید نیز و ژرفی‌ساز دولتمردان آتلانتیک دور نماند، آنها هر اندازه هم جور کشیدند و تلخی دیدند باز هم حرمت مرزهای چین را در هم نشکستند و جای آن باقی گذاشتند که امواج نیرومند قدرت شرقی، آب به آسیای آنان بریزد و تلخی و سختی آن روز برای مردان آتلانتیک، امروز میوه شیرین به ارمان آورد و وزنه پر قدرت شرق اگر نه به سود دست کم و بی‌گفتگو به زبان آنها به ترازو نخواهد رفت.

حضور برنرف در بلگراد به هر عنوان که باشد برای قدرتهای آتلانتیک مصیبت بزرگی است ولی گفتگوی با هواکوئونگ در توکیو درباره هر چیز که باشد

برای کارتر سرورانگیر است. تنگ شیائوپینگ یک روز خطاب به ژاپنیها گفت ما نه صد میلیونیم و شما یکصد میلیون رویه‌رفته یک هزار میلیون خواهیم شد عددی بسیار قشنگ و گرد. راست است عدد یکهزار میلیون که صد میلیون ژاپنی در آن باشد به راستی عددی گرد و قشنگ است و پیکر خود آقای تنگ شیائوپینگ هم مانند این عدد گرد و قشنگ است. آقای پینگ بر خلاف بسیاری از دوستانش به درستی دریافتی بود و از سالها پیش دریافتی بود که در فردای انقلاب دیگر ایدئولوژی گرهی از کار باز نمی‌کند.

ایدئولوژی تا فجر پیروزی انقلاب کار ساز است و پس از آن بناید سراغ تکنولوژی رفت و شماره تلفن تکنو کراتها را یادداشت کرد.

گروه تسدرو چهار نفری و حامیان انقلاب فرهنگی چین هرگز نتوانستند از حصار ایدئولوژی خود خارج شوند و آنگاه که در برابر حقایق زندگی در مانده شدند شعاع دادند «انقلاب مهمتر از تولید است» ولی انقلاب بدون تولید ناگزیر به صفحه‌های تاریخ و پشت شیشه مورها کشیده می‌شود و چنین شد.

انقلاب بی‌تولید ادامه نمی‌یابد و تولید به تکنولوژی و به همت و باوری تکنو کراتها وابسته است.

پس چین با ساخت نارساییهای تکنولوژی خود به حرکت درآمد و مرکزهای تکنولوژی جهانی به دلیل‌های روشنتر از آفتاب شرق به سوی این خاستگاه عظیم انسانی دیده دوختند.

اینک موجهای پرتلاقی انسانی با توان شگفتی‌زای تکنولوژی پیوند می‌گیرد و هر نتیجه‌ای از آن بدر آید برای قدرت قاره‌ای ناخوشایند خواهد بود. قدرت آتلانتیک در برابر همه گفتگوها و پیشنهادهای قدرت قاره‌ای یک سخن را تکرار می‌کند «آمریکا نمی‌تواند از دوستی با چین صرف‌نظر کند» و در این باره گفتگو مورد ندارد ولی درباره هر موضوع دیگری از جمله دفاع اروپا می‌توان گفتگو کرد و مسافرت هلموت اشمیت به مسکو و سفر کارتر به توکیو دوروی یک سکه است نام این سکه «نظم جهانی غربی» است.

آتلانتیک به ارکستر عجیبی که راه انداخته از زاویه دیگری می‌نگرد او خود را دیگر خواهان یا خواننده دعوی نمی‌بیند، او دو قدرت بزرگ قاره‌ای را می‌خواهد به خواهان و خواننده دعوی تبدیل سازد، تا خود نقش داور نهائی جهانی را بازی کند. اینک بر خوردهای تسند و بی‌امان میان دو ایده‌ئولوژی و دویروزی کمونیزم و کاپیتالیزم نیست.

اینک بر خوردها میان کمونیست‌ها است، اینک

دو قدرت بزرگ کمونیزم دو قدرت بزرگ قاره‌ای به ستیزه با یکدیگر کمر بسته‌اند و کاپیتالیزم به دآوری نهائی نشسته است و شادمانه می‌سراید «ز هر طرف که شود کشته‌شود» «وال استریت است». مک‌آرتور، در پایان جنگ جهانی دوم بر اثر ضرب شتهائی که از ژاپنیها دیده بود به یکی از افسران ستادش اندرز داد «پسرم در آسیا در زمین در گیر نشو» آمریکائی‌ها این اندرز سردار خود را فراموش کرده بودند اینک آن را دوباره به یاد آورده‌اند و دیگر در هیچ کجای آسیا در زمین در گیر نیستند. دیگر سربازان آنها در شرق شلیک نمی‌کنند و این صدای تفنگها که از شرق دور به گوش می‌رسد صدای تفنگ کمونیستها است که بر روی یکدیگر آتش گشوده‌اند. آشنایان قدیم حرمت آشنائی را شکستند و به انگیزه نیازهای ناسازگار با نظام اندیشه‌شان به ستیز برخاسته‌اند.

چین و ویتنام و کامبوج باهم در گیر شده‌اند همه امیدهای کمونیستها به موافقت نامه ۱۹۶۵ پنوم‌پنه و تصمیم‌های کنفرانس ۱۹۷۰ کانتون بسته شده بود ولی اینک همه این امیدها بر باد رفته و شبه جزیره هندوچین صحنه نبرد تازه‌ای شده است. رابطه ویتنام و کامبوج از دیرباز تیره بوده است و حتی به هنگام نبردهای آزادیبخش هم این دو کشور هرگز در تفاهم کامل نبودند ولی اینک آشکارا خصم یکدیگر شده‌اند.

همه کشورهای شبه جزیره هندوچین و همه همسایگان‌شان با شک و تردید به هم می‌نگرند و اقتصاد در هم ریخته شبه جزیره هندوچین، هنوز هم نتوانسته است از حالت جنگی خارج شده و به اقتصاد زمان صلح برسد، میان شمال و جنوب ویتنام هنوز تفاوت‌های بسیار وجود دارد، تلاش فراوان مقام‌های دولتی ویتنام برای بازگرداندن جمعیت غیر فعال شهری ویتنام جنوبی به روستا، و رونق بخشیدن به کشاورزی تحت عنوان «منطقه‌های تازه اقتصادی» موفقیت چندانی نداشته اجرای چنین طرح‌های به سرمایه فراوان نیاز دارد، که آشکارا در دسترس ویتنام نیست.

تغییر شکل بخشیدن به ساخت اجتماعی ویتنام جنوبی دشواریهای سیاسی به بار آورده است. بسیاری از چینی‌هایی که در ویتنام جنوبی زندگی می‌کردند و به بازاری اشتغال داشتند، حاضر نشدند حرفه خود را ترک کنند و برای کشاورزی به روستاها بروند. آنها تازگیچ دادند به کشور زادگاهشان چین پناهنده شوند. پس سیل پناهندگان گریخته از ویتنام به چین سرازیر شد و چین را به گفتگو و سپس به رویارویی با ویتنام کشاند.

گرایش روزافزون ویتنام به روسیه در برابر همسایه زورمند

خود امری طبیعی است و این گرایش هر روز افق رابطه با چین را تیره تر می‌کند. از سوی دیگر ویتنام با دقت و استواری طرح ایجاد «فدراسیون هندوچین» را پیگیری می‌کند. گرچه در هیچکدام از نوشته‌ها و گفتارهای سیاسی ویتنام هرگز سخنی از چنین فدراسیونی به میان نیامده است ولی روند جریان‌ها آشکار می‌دارد که ویتنام نمی‌تواند نقش رهبری کننده را در شبه جزیره از کف به نهد عبارت‌هایی از گونه‌ی «رابطه خاص با همسایگان انقلابی «یا» دفاع از خلق کامبوج» نشان دهد. گرایشهای درونی سیاست ویتنام، به پدید آوردن یک مجموعه بزرگ و قدرتمند است، تا بتواند در برابر همسایه زورمند خود پایداری کند، قرارداد «همکاریهای ویتنام و لاوس» زمینه مساعدی برای پدید آوردن فدراسیون هند و چین عرضه می‌دارد ولی کامبوج با دورماندن از نفوذ روسیه از پیوستن به این قرارداد خودداری کرد.

کامبوج حتی در دوران مبارزات رهایی بخش خود علیه رژیم لئون نول هم از رابطه صمیمانه با روسیه تن می‌زد. و در جمع نشانه‌ها چنان به نظر می‌رسید که روسیه هم از واژگون شدن رژیم لئون نول به دست خمرهای سرخ چندان خشنود نشد و پا به پای دور شدن ویتنام از چین رابطه ویتنام و کامبوج هم آشفته‌تر می‌گشت.

آشفته‌گی شبه جزیره هندوچین ناشی از این عامل‌ها است:

- ۱- افزایش حضور و نفوذ روسیه در ویتنام
- ۲- افزایش فشار ویتنام بر اقلیت‌های چینی به لحاظ سیاست‌های داخلی خود
- ۳- افزایش فشار ویتنام بر کامبوج برای دور شدن از چین
- ۴- فشار چین به ویتنام برای دورماندن از روسیه
- ۵- ناخشنودی چین از گسترش سلطه ویتنام بر لاوس

بدینسان شبه جزیره هندوچین در بحران خون آلودی فرو رفته و رقفا تیغ بریکدیگر کشیده‌اند.

از آگاهی بر آنچه در شبه جزیره هندوچین می‌گذرد یک پرسش در ذهن بیدار می‌گردد. ویتنامی‌ها که روزگاری در جهان پرچم قهرمانی و فداکاری برای حفظ آزادی و استقلال را برافراشتند، و در نبرد با تجاوز طلی دلیری‌های افسانه‌ای به جا آوردند و در حیات سیاسی هم پختگی و شایستگی بسیاری از خود نشان دادند چگونه حاضر شده‌اند به مرزهای کامبوج همسایه کوچکتر وضعیتر خود نیرو سرازیر کنند. و مردانی که روزگاری افتخار آزادی بودند چگونه از در هم شکستن مرزهای کشور همسایه و هم اندیشه خود خرسند می‌شوند.

ویتنامی‌ها در برابر این پرسش اساسی و درست به اوضاع و احوال داخلی کامبوج اشاره می‌کنند و می‌گویند حکومت کامبوج شهرنشینان را به گونه‌ای

عیر انسانی ریزر فشار قرار داده بود، و می‌کوشید به هر قیمت شهرها را از جمعیت تهی کند و شهرنشینان را به روستا باز پس بفرستد و خانواده‌ها را از هم می‌گسست و هر کدام از اعضای خانواده را به سوئی می‌فرستاد هر فعالیت و علاقه مذهبی را نفی میکرد. و از اجرای هر گونه مراسم دینی جلوگیری می‌نمود، مکانیزم مالی کشور را به عنوان از میان برداشتن نقش پول به توقف کامل کشانده بود و به همه حقوق و آزادی‌های بشری بی‌اعتنائی خرد کننده‌ای نشان می‌داد، اردوگاههای کار اجباری در سرتاسر کشور به راه انداخته و بخش قابل توجهی از جمعیت کشور را در این اردوگاهها با شیوه‌های غیر انسانی به کارهای پرمشقت کشیده بود، کشتار مردمان به اندک بهانه یا خطائی در شمار کارهای جاری حکومت تلقی می‌گشت و کامبوج با دست آزدین به ایگوبه بی‌رحمی‌ها خود را در جهان مزوی کرده، و خلق کامبوج را به ستمی بزرگ گرفتار ساخته بود، و در نتیجه این همه ستمها، مردم کامبوج در برابر حکومت ستمگر خود قیام کردند و ویتنام نمی‌توانست در برابر مبارزه عادلانه و برحق مردم ستم رسیده کامبوج سکوت و بی‌طرفی اختیار کند و ادعا می‌کنند که با اینهمه ویتنام به خاک کامبوج رخنه نکرده و هرگز حرمت مرزهای آن کشور را در هم نشکسته است.

ولی حقیقت آن است در نبردهای داخلی کامبوج یکنانه‌ی ورزیده ارتش ویتنام دخالت داشته‌اند و سلاحهای کم نظیر آنها در کامبوج هرگز وجود نداشته در دست مخالفان حکومت به فراوانی دیده می‌شود و گروههای عظیم ارتش و چریکهای دولتی کامبوج که به تایلند پناهنده شده‌اند بیان کننده این واقعیت‌اند که ارتشی بسیار کارآموده و نیرومند به مصاف آنها آمده است.

ویتنامی‌ها ادعا می‌کنند که قیام مردم کامبوج حکومت کمونیستی طرفدار چین را در آن کشور واژگون کرد ولی ویتنامی‌ها که تجربه سیاسی سرشاری در دوران مبارزات خود به دست آورده‌اند نیک می‌دانند که استدلال آنها غیر قابل قبول است.

ویتنامی‌ها ادعا می‌کنند که کامبوج در طول مرزهای آنان نیرو مستقر ساخته و به خاک ویتنام تجاوزهای گسترده می‌کرد، با توجه به نابرابری کامل ارتشهای ویتنام و کامبوج قبول این ادعا آسان نیست زیرا ارتش کامبوج کمتر از ده درصد ارتش ویتنام است و از لحاظ نوع سلاح و ورزیدگی رزمی و قدرت تحرک و آتش به هیچ روی با ارتش ویتنام قابل قیاس نیست. ارتش کامبوج در برابر ارتش ویتنام چنان ناتوان است که گمان حمله به ویتنام هم نمی‌تواند در ذهن ایشان بیدار شود، و به هیچ زوی ارتش کامبوج نمی‌تواند استقلال و حاکمیت و تمامیت بقیه در صفحه ششم

### تشکل کارگران در اتحادیه‌ها و سندیکاها ضرورت دوران سازندگی انقلاب است



درهای مرکزهای

دانشجویانی که هم اکنون در دانشگاهها و مدرسههای عالی سرگرم تحصیل هستند نیز نمی دانند چه برسروشت آنان خواهد رفت، و چه هنگام دانشکده یا مدرسه عالی آنان دوباره باز خواهد شد، و در برنامه درسی ایشان چه دگرگونیها خواهد رفت.

دانشجویانی که در دورهها و یا سال آخر رشته خود هستند، بیش از دیگران نگرانند، ایشان هم نسبت به پایان دادن تحصیل خود نگرانند و هم نسبت به کارهایی که پس از آن می توانند بدست آورند.

همه جوانها، هر کدام به گونه ای و بنا بدلیل هائی نسبت به آینده خود احساس بیم و نگرانی دارند. و این نگرانی، توانائیهای ذهنی و فکری ایشان را تحلیل می برد. بسیاری از ایشان هیچ تصور روشنی یا نیمه روشنی از آینده خود ندارند، و نمی دانند چه بکنند. خانوادههای این جوانان نیز در برابر ابهام سنگینی که بر آینده جوانان بار شده نیز سرگردانند. آنها هم از هر راهنمایی و چاره جوئی دز کار فرزندان خود عاجزانند.

این بی تکلیفی و ابهام پیامدهای دردناک خواهد داشت. گروههای گوناگونی که در کمین جوانان نشسته اند از این ابهام بهره برداری بسیار خواهند کرد و با طرح کردن نقشی از آینده نامعین و با وعده دادن برنامههای چشمگیر تصویری، جوانان ما را به بیراههها می کشانند.

جوانان در همه دور آنها و جامعهها از توجه خاصی برخوردار بوده اند، اینان از نظر قواعد رشد ذهنی و جسمی و اجتماعی در وضعی قرار دارند که می باید از کمک و راهنمایی عمومی و نیروی اداره کننده جامعه برخوردار شوند. جوانی، دوره خاصی از زندگی است، در این دوران، توانائیهای جسمانی در حد بالا است و قدرت تخیل بسیار.

می باید سالهای بنسیر بر جوانان بگذرد، تا واقعیتهای حیات، قدرت تخیل ایشان را محدود کند، و پیکرههای ذهنی تخیل جای خود را به برداشتهای واقع گرایانه بسپارد.

جوانی در همه دور آنها مسئله بوده است، و هر جامعه که نتواند این مسئله را با

دقت و درستی حل کند، به گرفتاریهای فراوان و تشنجهای بسیار دچار خواهد شد، مسئله جوانان می باید درسیاستهای کلی و عمومی حکومت جای مخصوصی و بسیار والایی را احراز کند.

هر اندازه جامعه روبه پیشرفت نهد، مسئله جوانان پیچیده تر و گسترده تر میشود. این مسئله می باید به طور پیوسته و همیشه در دستور کار حکومت قرار داشته باشد. غفلت از گانهای کشوری از رسیدگی به آن سرچشمه آشفته گها خواهد بود. برای ما، برای ملت ما، مسئله

جوانان یکی از سهمگین ترین دشواریها است، رفع این دشواری از همه دشواریهای دیگر سخت تر است. و پیوسته هم بر عمق و گستردگی این دشواری افزوده میشود.

در جامعههای پیش از صنعت، شهرها کم جمعیت و اندک اند، بیشتر جمعیت در روستاهای پراکنده و دور از یکدیگر به سر می برد. و فرزندان خانواده که به سن جوانی می رسیدند، در حمایت خانواده، و به راهنمایی خانواده، به حرفه های اشتغال می یابند و به طور عادی، حرفه ای که جوانها پیش می گیرند، همان حرفه خانواده است.

جوانان روستائی در کار کشاورزی خانواده روستائی می دهند و سپس در سن بالاتر همه مسئولیت کار و حرفه خانواده را بر عهده می گیرند.

با پیشرفت صنعت، بر شمار شهرها افزوده می شود، و جمعیت شهرها زیاده تر می گردد و مهاجرت از روستا به شهر نیز فزونی می یابد، و آنان که از روستا به شهر می آیند، بیشتر گروههای جوان هستند.

به لحاظ رسیدن ابزارهای فنی و ماشینی به روستا، نیروی جسمانی چندان مورد نیاز نیست و جوانان روستا که کار ثمر بخشی برای خود در زادگاهشان نمی بینند، روانه شهرها می شوند، تا در آنجا توانائیهای خود را بیازمایند و راهی پرزندی خویش بکشایند. از اینرو شمار جوانان در شهرها بسیار می شود و دشواریها از رهگذر تراکم بسیار نیروی جوان در شهرها پدید می آید.

در میهن ما، دشواری از همه اینها فزونی تر است، زیرا سرعت رشد جمعیت بسیار است. میهن ما یکی از بالاترین نرخهای افزایش جمعیت را در جهان دارد که حدود سه درصد باشد یعنی به طور متوسط سالانه نزدیک به یک میلیون و سیصد هزار نفر بر جمعیت کشور افزوده میشود.

به هنگام انقلاب مشروطیت، جمعیت میهن ما بی گفتگو از هشت میلیون نفر کمتر بود و اینک بی تردید از سی و شش میلیون نفر متجاوز است. جمعیت میهن ما هر بیست و شش سال به تقریب دو برابر میشود، معنای این سخن این است که ما با انبوه عظیمی از جوانان روبرو هستیم و اگر کسانی را که در سالهای کودکی و نوجوانی یا کمال جسمانی و گهنسالی هستند از شمار جمعیت کشور کسر کنیم، جمعیت باقی مانده، یعنی جوانان نزدیک به پانزده درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند، و این کمترین شمار برآورد ممکن است.

بی هیچ تردید شمار جوانان ما در فاصله سنی هجده تا بیست و پنج سال از پنج میلیون نفر کمتر نیست و این شمار در هر سال افزون تر میشود.

شماره از این گروه در سالهای آخر دبیرستان، یا دانشکدهها و مدرسههای عالی تحصیل می کنند. و گروهی دیگر نیز به حرفه های گوناگون پرداخته اند، اما شمار بزرگی از

آنان در حال بی تکلیفی به سر می برند.

در سال گذشته شمار داوطلبان تحصیلات عالی از پانصد هزار نفر بیشتر بود، امسال بر اساس رقمهای در دسترس این شمار به هفتصد هزار نفر نزدیک خواهد شد، از این گروه، شمار بسیار ناچیزی به تحصیلات عالی راه خواهند یافت، که بی گفتگو از ده درصد آنان کمتر است و انبوه عظیم جوانان ما، در پشت درهای بسته دانشگاهها و مدرسههای عالی با قلبی شکسته از حسرت آموزش بیشتر به جا خواهند ماند.

مسئله جوانان از اینجا آغاز میشود، از اینجا که شماری بیش از ششصد هزار جوان را در اعلاای قدرت جسمانی و با

آمدگی فراوان برای فراگیری بی هیچ تکلیف بر جا می ماند. مسئله، تنها ناشی از تاریخ کنکور و یا برنامه های آموزشی در دوره تحصیلات نیست. دشواری مسئله، عبارت از حیات آینده صدها هزار نفر جوان است که از آموزش عالی محروم می مانند. ولی دشواری و گستردگی و عمق مسئله جوانان ما با هم در این اندازه محدود نمی ماند.

شمار بزرگی از نوجوانان میهن ما، به سالهای بالای دبیرستان نیز راه نمی یابند و در سالهای نخستین دبیرستان به لحاظ گرفتاریهای گوناگون، تحصیل را رها می کنند و به جستجوی کار می پردازند، بیشتر نوجوانان روستائی، از سر ناگزیری از همان سالهای نوجوانی، از تحصیل بازمی ایستند و به کار کردن می پردازند. اگر شمار همه کسانی را که در سنهای وارد شدن به دانشگاهها می باشند به حساب آوریم، جمعیت ایشان بی گفتگو از یک میلیون و دویست هزار نفر افزون است.

این شمار بزرگ جوانان، از سر ناگزیری به چند شهر بزرگ، و بیشتر به تهران رو می آورند، بدان امید که در این شهرها بتوانند زندگی آینده خود را با تلاش پی ریزی کنند و از موهبتها و امکانهای شهر بهره بر گیرند.

تلاش برای برگرداندن این عده به روستاها به هیچ روی سودمند نمی باشد، نه از آن جهت که در روستا وسیله و زمینه گردش و تفریح وجود ندارد، خیر، بلکه از آن جهت که در روستا زمینه تلاش و پیشرفت برای ایشان نیست.

اگر بتوانیم با صدها طرح و تلاش، گروهی از ایشان را به روستا بفرستیم، مدت ماندگاری آنان در روستا زیاد نخواهد بود، به سرعت بی حاصل بودن تلاش خود را در روستا در می یابند و به شهر بازمی گردند و تصور اینکه بتوانیم گروه بزرگی از آنان را به کار ثمر بخش در روستا بگماریم

باطل است، زیرا ماهی و طبع کار کشاورزی چنان می باشد که با رشد شیوهها تولید و ابزار کار پیوسته به جمعیت کمتری نیاز دارد. تاریخ رشد اقتصاد بشری در

برابر ما است و به روشنی نشان میدهد که با پیشرفتهای فنی و اقتصادی، کشاورزی به نیروی کار کمتری نیاز می افتد و بیشترین نسبت قابل قبول جمعیت کشاورزی نمی تواند از بیست و پنج درصد کل جمعیت کشور فراتر رود.

باتوجه به اینکه در حال حاضر بیش از نیمی از جمعیت کشور در روستاها به سر می برند و باتوجه اینکه روستا خود هر ساله بطور طبیعی افزایش جمعیتی دارد، فرستادن انبوه عظیم جوانان به روستا، به هیچ روی نخواهد توانست راه حلی برای مسئله جوانان باشد.

گفتگوی دیگری که در جریان بوده و هست، ایجاد صنایع روستائی و بازسازی روستاها و فرستادن جوانان به روستا برای اجرای این وظیفهها است. گو اینکه تاکنون طرح روشن و گویائی در این زمینه تنظیم و ارائه نشده است ولی به گونه ای اجملی میتوان گفت، تا زمانی که زیرساز و وسیع اقتصادی صورت نگرفته است و تا زمانی که صنایع کلید استوار نشده است، رواج بخشیدن به صنایع روستائی به شکلی تولید کننده و ثمر بخش میسر نیست و نگاه داشتن جوانان به انتظار اینکه در روستاها صنایع کوچک ایجاد خواهد شد و ایشان بدان کار خواهند پرداخت فقط برای مدت بسیار کوتاهی ممکن است و پس از این مدت دیگر نمی توان جوانان را به انتظاری چنان نگاه داشت.

باید مسئله را به شکلی روشن بشناسیم و با آن به شکلی واقع بینانه برخورد کنیم. مسئله این است که هر سال شماری حدود چهارصد تا پانصد هزار نفر از جوانان میهن ما که سیصد هزار نفر آنان دوره دبیرستان را به پایان رسانیده اند، و بقیه نیز سالهائی را به تحصیل گذرانیده اند، در شهرها به جستجوی آینده و سر نوشت خود بر می خیزند و این شمار بزرگ در چند شهر گرد می آیند و گروههای کوچکی از آنان نیز در شهرهای کوچکتر در تکاپوی زندگی گام می زنند.

این جوانان چه می خواهند، و چه میگویند و با آنان چه باید کرد. سئوالهای اصلی مسئله جوانان است. این جوانان، مانند همه جوانان تاریخ، پر از جوش و غرورند. این جوانان از نیروهای جسمی و فکری سرشار بهره دارند. باید به جوش و غرور آنان پاسخ داد و باید برای بکار گرفتن نیروهای فکری و جسمی آنان راهی اندیشید. این جوانان اصلی ترین نیروی سازنده حیات اجتماعی هستند، اگر نیروی این جوانان را به هدر بدهیم، بدرستی، اصلی ترین ابزار سازنده میهن خود را از دست داده ایم.

جوانان ما، مانند همه جوانان می خواهند که از زندگی پر تلاش و شرافتمندانه ای برخوردار باشند.

فراهم آوردن موجباتی برای سرگرمی آنان، ضربه زدن بر شور و هیجان آنها، این همه چیزها را به درستی

در می یابند و کسار سازنده و ثمر بخش را از وسیله های سرگرم کردن به درستی تشخیص می دهند، اگر در مقام بازی کردن با آنان بر آئیم آنان را آزاده خاطر می سازیم و به حق و به درستی ایشان را به ستیزه با مجموع شرایط حاکم می رانیم.

جوانان از اینکه سربار خانواده یا میهن خود باشند رنج می برند و می خواهند، برای خانواده و میا میهن خود یار و فرزند می باشند. جوانان می خواهند، و به حق هم می خواهند، که در جامعه از احترام و تشخصی کافی بهره مند باشند و بدرستی می دانند که بهره مند بودن از احترام و تشخص کافی مستلزم آن است که آموزشی خلاق و سازنده دریافتند و کاری ثمر بخش و پر حاصل انجام دهند.

فراهم آوردن وسیله های آموزش سازنده و کار پرحاصل در اختیار خانوادهها نیست، این وسیلهها فقط و فقط در اختیار حکومت است و کار بدستان کشور می باید یا سرعت برای همه جوانان آموزش و کار تدارک ببینند، آموزش و کاری پر ثمر و سازنده.

مسئله جوانان ما، به جوانانی که بدنال کار و آموزش بیشتر می گردند، محدود نمی شود، بخش بزرگی از نیروی جوان ما که به تحصیل و کار اشتغال دارد نیز بطور کامل و یقین در متن مسئله جوانان قرار دارد.

ما بخش بزرگی از جوانان خود را، در رشته های تحصیلی، کم حاصل یا شاید هم بی حاصل، سرگرم کرده ایم، جوانان ما چه در سالهای آخر دبیرستان، و چه در بسیاری از دانشکدهها و مدرسه های عالی به هنگام آموزش، از خود می پرسند، آن چیزها که می آموزند آیا درست است، آیا در زندگی آینده به کارشان می آید، و برای این پرسشها هیچ پاسخی نمی یابند، و از سر ناگزیری به هر صورت که باشد، دوره دبیرستان و دانشکده را به پایان می رسانند و بسیاری از کسانی که به لحاظ تردید در آموزشهایی که می گیرند، همه وجود وهمه توانائی فکری خود را در راه آموختن بکار نمی گیرند و از هر فرصت برای ابراز عدم رضایت خود سود می جویند.

پدید آمدن بی آرامی دائم در دوره های آموزشی، و به ویژه آموزش عالی، تا اندازه زیادی از این سرچشمه آب می خورد. جوانان ما، چیزهایی یاد میگیرند که از درست و کار آمد بودن آنها، اطمینان ندارند. و این بی اطمینانی می تواند سرچشمه هر تشنج قرار گیرد.

از سوی دیگر بخش بزرگی از جوانان ما، دوره های دبیرستان یا آموزش عالی را به پایان رسانیده و در سازمانها و مؤسسه های گوناگون، و بیشتر دولتی، بکار پرداخته اند با دشواری بسیار چنانگدازی روبرو هستند، بیشتر این جوانان در محل کار حاضر می شوند ولی کاری برای انجام دادن ندارند، و یا اگر کاری هم انجام می دهند، کاری است که در بازسازی کشور سهمی و اثری

ندارد، و خود آنان این نکته را به روشنی درک میکنند و به اصطلاح اقتصاددانها، بخش بزرگی از جوانان

ما، دچار بی کاری پنهان اند و از این رهگذر رنج فراوان حس میکنند. راست است که درباره گروههای سنی دیگر غیر از جوانان هم، این نکته وجود دارد، و شمار بسیاری از کسان شاغل بکار در سازمانها و مؤسسه های ما، به بی کاری پنهان دچارند.

ولی از آنجا که در وجود جوانان احساس جوش و غرور زنده و شاداب است و از آنجا که قدرت اعتراض و پایداری در جوانان، بیش از سایر گروههای سنی است، دچار ساختن جوانان به بی کاری پنهان، سرچشمه اعتراضها و درگیری های بسیار است مؤسسه ها و سازمانها، میباید چنان ترتیب داده شوند، که همه کارکنان، و به ویژه جوانان، ارزنده و سازنده بودن کار خود را به روشنی دریابند، و می باید ترتیب کار چنان فراهم آید که جوانان ثمر بخشی تلاش خود را در راه بازسازی میهن بدرستی بشناسند و می باید در شمار تدبیرهای سازمانی، این راه را به روشنی گشاده داشت، که کار سازنده و پرحاصل جوانان، زمینه اصلی پیشرفت ایشان است.

جوانانی که به پیکار پنهان دچارند، از آینده خود، به تردید می افتند. اینک حکومت ایران در برابر پیچیده ترین مسئله جوانان قرار گرفته، و همه جوانان، چه آنها که در دوره های آموزش عالی تحصیل میکنند، و چه آنها که تحصیل را رها کرده و در جستجوی کار برآمده اند، از آینده و سر نوشت خود در ابهام و بی امیدگی هستند. همه جوانان کشور، آموزش درست و ثمر بخش ترتیب داده شود. چه آنان که به کار پرداخته اند و چه آنان که هنوز به کاری دست نیازی دارند، باید همگی از آموزشهای خلاق و کار ساز بهره مند گردند. باید همه توانائیهای جسمی و فکری جوانان را بکار گرفت، چه در یاد گرفتن و چه در ساختن سرزمین سوخته ایران، این یکی از اصلی ترین وظیفه های حکومت است و می باید با سرعت در اجرای آن گام برداشت.

در حل مسئلهای چنین بزرگ و اساسی، شیوه های کهنه و فرسوده ای مانند تجدید نظر در مقررات کنکور، یا دوباره نویسی برنامه های درسی فلان دانشکده بکار نمی آید.

حل این مسئله در گرو قدرت اندیشه بسیار و پدید آوردن راهحلهای به راستی انقلابی است، آیا کار بدستان حکومتی با عظمت مسئله آشنائی دارند و آیا پیامدهای خانمانسوز غفلت یا اشتباه در حل این مسئله را می شناسند و آیا توانائی، ارائه نمودن روشهای انقلابی برای حل چنین مسئله ای را دارند. باید در انتظار پاسخ عملی کار بدستان بود.

ملت ایران: گستاخی های دولت بعثی عراق را نخواهد بخشید



# حضور و حانیت در صحنه های سیاسی زندگی ملی ایرانیان

مشوقان و مروجان ارزشها و آموزشها هنرهای اسلامی قرار گرفتند.

در سده های اخیر همین همگامیها و پایدارها ایران را مستقل نگاهداشت و سیطره ترکان عثمانی به اصالت ملی و تاریخی جامعه آسیای قراون وارد ساخت.

در دوران معاصر، یعنی از بدو برخورد امپریالیسم و سلطه های گوناگون استعمارگران با ایران، هیچ ایستادگی و جنبش پیروزمندانای بدون الهام از اسلام و شرکت فعال روحانیت و هدایت آنان تحقق نیافت و آشکار گردید که حرکت استقلال در کلیت جامعه شکل یافته از همه گروهها، جنبه همگانی و یکپارچه دارد.

روحانیت ایران که در صحنه های سیاسی زندگی ملی همه گاه حضور داشته است، برخلاف نظر برخی از ذهن گرایان، حالت: «کاست اجتماعی» بخود نگرفته است و از راههای گوناگون با مردم چه از لحاظ اجتماعی و اقتصادی و چه اندیشه ای و فرهنگی در رابطه بوده است و باصطلاح جامعه شناسی تحرک اجتماعی (موبیلیته سوسیال) میان آنان و کل جامعه وجود داشته است.

این گروه اندیشه ور و پویا بر خلاف نظر دسته دیگری از ذهن گرایان، دارای ریشه ها و صبغه های «طبقاتی» نیز نبوده است.

خاستگاه اجتماعی روحانیان و مجتهدان و مراجع تشیع بیشتر روستاهای کشور و قشرهای میانه شهر نشین جامعه شمار رفته است.

این گروه که در زندگی مذهبی و اجتماعی بمرور پایگاههایی بدست می آورد، بعلمت پیوند با کل جامعه، ویژگی طبقاتی بخود نمی گرفت. البته نمی توان همه روحانیان و رهبران مذهبی را در یک خط مردمی و سمتگیری اجتماعی قرار داد.

زیرا قدرتهای مسلط بر جامعه برای تداوم بهره کشی و قدرتمنداری خود گاه تلاش کرده اند تا دین رادر خدمت خود درآورند و بعضا در این راه به توفیق نیز رسیده اند.

بی جهت نیست که برخی از علمای بزرگ، «استبداد» را به «سیاسی» و «دینی» تقسیم کرده اند و هر دو را «مرتبط بهم» و حافظ یکدیگر دانسته اند (تنبیه الامه تألیف نائینی ص ۲۷) و حتی جهت برقراری نظام زور بر جامعه، پیروان «استبداد دینی» را بنام «دین گرائی» باقتضای همان «وظیفه مقامیه خود» حافظ «شجره خبیثه استبداد» نامیده و «قدیما و حدیثا متکفل» شمرده اند (همان کتاب ص ۳۶).

کاملا محسوس است که این نوع استبداد بدترین شکل استبداد در جامعه است و بقول همان مجتهد فرزانه، روحانی نمایانکه در خدمت نظامهای سلطه گری قرار می گیرند،

«ارادت خود سرانه» خود را «درزی سیاست روحانیه بعنوان دیانت اظهار و ملت جهول را بوسیله فرط جهالت و عدم خیرت بمقتضیات کیش و آئین خود باطاعتش وامیدارند» (همان کتاب ص ۱۰۸)

این امر ضد انسانی که نمونه هایی از آنرا می توان در تاریخ پیدا کرد، برغم تساهل و تسامح اسلامی، متأسفانه بنام «اسلام گرائی» و «مکتبی» بودن تبلیغ میگردد و علاج آن بقول مرحوم نائینی: «بواسطه رسوخش در قلوب و از لوازم دیانت محسوب بودن از همه اصعب و در حدود امتناع است (همانجا). اما روحانیت راستین که در خدمت اسلام و مردم قرار داشته خود دونوع است.

نوع اول بقول رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ملت ایران امام خمینی: «اساس حکومت را نخواستند بهم بزنند و اگر گاهی هم با شخص سلطانی مخالفت کردند، مخالفت با همان شخص بوده از بابت آنکه بودن او را مخالف صلاح کشور تشخیص دادند و گرنه با اصل اساس سلطنتی تاکنون از این طبقه مخالفتی ابراز نشده بلکه بسیاری از علما بزرگ عالی مقام در تشکیلات مملکتی با سلاطین همراهیها کردند مانند خواجه نصیرالدین و علامه حلی و محقق ثانی و شیخ بهائی و محقق داماد و مجلسی و امثال آنها و هر قدر هم دولت یا سلاطین بنا آنها بدسلوکی کردند و بانها فشار آوردند باز با اصل اساس تشکیلات و حکومت مخالفتی از آنها بروز نکرده، تواریخ همه در دست است و پشتیبانی هائی که مجتهدین از دولت کردند در تواریخ مذكور است (کشف الاسرار ص ۷-۱۸۶)

نوع دوم که رگه انقلابی و ضد ظلمه و تندرو و بی مصلحی «تشیع سرخ» می باشد از فردای «شهادت» سرور آزادگان حسین بن علی (ع) را خود را پیدا کرد و زیر رهبری ائمه هدی (ع) و مجتهدان و مراجع بزرگ جنبشهای «خونین» شیعیان را در تاریخ بوجود آورد.

دونوع برشمرده روحانیت که مدافعان راستین اسلام بودند، بعلمت نداشتن پیوندهای مالی با کانونهای قدرت و بی نیاز بودن از حیثیتهای دولتی، در بطن جامعه و حرکت استقلال در زمره مدافعان گروه های محروم بشمار می رفتند و خانه ها و مسجدها و مدرسه هایشان ملجا و مرجع و پناهگاه ستم دیدگان قرار میگرفت از دوره ای که میهن ما زیر سلطه خارجی قرار گرفت روحانیت سالم، رابطه های خود را یکی پس از دیگری از نهاد سلطنت وابسته به بیگانه برید و شاهان دوره قاجار ایران و حاکمان دست نشانده را بهیچوجه در حد قدرتمداران سابق بشمار نیاورد و بعلمت وابستگیهای آنان به قدرتهای برون مرزی و تشخیص تلاشی جامعه و اضمحلال هویت ملی و

مجموعه اسلامی بیشتر از گذشته ها در مسیر مخالفت با حکومت و حکومتگران قرار گرفت و خط سوم پیکاز و انقلاب و خط دوم مدارا و اصلاح اندک اندک یک خط سیر واحد پیدا کردند. دشمنان ایران و کسارگزاران استعمار فرهنگی که در نبردهای رهائی بخش میهن ما، توان فرهنگی و تاریخی اسلام را شناخته بودند، از همان ابتدای قرن نوزدهم میلادی تلاش کردند تا با ایجاد تفرقه و خارج کردن اسلام از مجموعه مبارزاتی مردم ایران سلطه خود را در جامعه استوار سازند.

علمای شیعه و مجتهدان بزرگ و مراجع عالیقدر مذهبی که «احکام ساسی» جامعه را جزء دوم «حکمت عملی» میدانستند در بیان آن چنین عقیده ورزیده اند:

۱- «حفظ نظامات داخلیه مملکت و تربیت نوع اهالی و رسانیدن هر ذی حقی بحق خود و منع از تعدی و تطاول» (اصل آزادی و عدالت)

۲- «تحمّل از مداخله اجانب و تحذّر از حيله معموله در این باب و تهیه قوه دفاعیه و استعدادات حربیه» (اصل استقلال و دفاع عمومی) (بنقل از تنبیه الامه نائینی ص ۷)

مرحوم نائینی در کتاب خود بنام تنبیه الامه و تنزیه المله که بااهتمام مجاهد نستوه سید محمود طالقانی بچاپ رسیده واژه های زیر را بارها بکار برده است: غیرت دینی- غیرت وطنی- شرف استقلال- شرف قومیت- شرف استقلال وطن و قومیت شناسی- حمایت دین و وطن- استقلال وطن- استقلال قومیت- امتیازات دینیه- امتیازات وطنیه- حفظ دین و وطن- حیات ملی- اتفاق ملی- شورا عمومی ملی- نوامیس دینیه و وطنیه- قوای ملیه- حقوق ملیه برای ملت ایران- برادران دینی- برادران وطنی و از این طریق نشان داده است که اسلام از حیات ایرانی لاینفک است و وطن دوستی و قومیت شناسی نه تنها مغایر با اسلام و مسلمانی نیست، بلکه مقدمه شناخت خود و اندیشیدن بکلیت جهانی اسلام می باشد.

بهمین دلیل مسلمانان را موظف میدارد تا: «حفظ ناموس دین مبین و تحفظ بر استقلال دولت و قومیت خود و حراست از حوزه ممالک اسلامی را بر هر غرض چنانچه از سایر ملل مشهود است، مقدم دارند» (همان کتاب ص ۹)

بزیان دیگر:

- شناخت عقیده و آرمان (اسلام)

- شناخت جامعه و ملیت (دولت و قومیت)

- شناخت ملت های دیگر مسلمان (حراست حوزه ممالک اسلامی)

مرحله هائی است که باید جای هر کدام از آنها آشکار گردد این حالت انسانی و تدافعی در برابر اجانب، یعنی حفظ استقلال

که ممتازترین رنگ ملت گرائی است به مفهوم جدید بدنبال استعمار خارجیان بر کشورهای اسلامی بوجود آمد. یعنی زمانی که جامعه های اسلامی در برابر آسیبهای بیگانگان قرار گرفتند، بی درنگ در مواضع دفاعی (دفاع از خود و دیانت خود و فرهنگ و سرزمین خود) جای یافتند.

متأسفانه نویسنده مقاله «یادداشت روز» در یکی از روزنامه های عصر تهران این بدیهی ترین رویداد تاریخی را دگرگون قوه همیده است و بنا راستی نوشته است: «شکست مسلمانان در برابر تهاجمات غربی از زمانی شروع شد که در پیشاپیش تفکر غربی ناسیونالیسم به جوامع اسلامی تحمیل گردید و مسلمانان تکه تکه شدند و به اسارت غرب درآمدند» (شماره ۱۱۰۴۱ پنجشنبه ۱۹ تیرماه).

در حالیکه چند کتاب ساده تاریخی بطلان برداشت نویسنده مقاله را آشکار میسازد و معلوم میکند که در سه کانون بزرگ اسلامی حوزه عثمانی و سرزمین ایران و شبه قاره هند، نهادهای اجتماعی به تزلزل افتاده بودند که سلطه غربیان آغاز گردید و انچنان را آنچنان تر کرد و در مرحله دیگر با بازگشت خود و فرهنگ خود و شناخت قومیت و ملیت خود (خود آگاهی ملی و فرهنگی). توانستند در برابر سلطه بیگانگان پایداری نشان دهند و در همین روند مبارزاتی است که اسلام نقش قهرآمیز و سازنده خود را آشکار می سازد.

مفهوم حکومت ملی یا حاکمیت ملی در برابر خود (استبداد) و سلطه اجانب (استعمار) از این دوره بارومحتوای بیشتری پیدا میکند. (در بخش یکم حاکمیت ملت و مبارزه با استبداد) می گوید: «... تازمان ما، یعنی انقلاب ایران رسید، یعنی ملت بیدار شد، طرز حکومت از حکومت یک نفری و فردی به حکومت ملی و تمام ملت مبدل و مسمی باسم دولت مشروطه شد» (نطق ۲۱ جوزای ۱۳۰۲ در مجلس- مدرس قهرمان آزادی تألیف حسین مکی ص ۲۰۶) و در بخش دوم (دفاع از استقلال و مبارزه با سلطه خارجی) می گوید: «وقتی که متعرض ما شدند، البته هر ضعیفی باید بقدر میسر در حدود دیانت و نیات خود در رفع ضرر برآید (همانجا).

مدرس از ملت ایران در ابعاد تاریخی نیز دفاع میکند و خطاب به صدر اعظم و وزیران کشور در رابطه با جنگ عثمانی بیان میدارد:

«بگوئید بجای کلمه عجم لفظ ایرانی استعمال نمایند، زیرا ماده لغوی کلمه عجم از عجمه میباشد و اشتقاق آن بکلمات مختلف حاکمی از تحقیر نژاد غیر عرب یعنی حتی ملت ترک و ایرانی است و ما ایرانیان که دارای نواخ و مشاهیری بودیم که بزبان و تمدن عرب و اسلام خدمات شایانی کرده اند سزاوار

نیست که محقر شویم. لذا خواهشمندم لفظ عجم را از قاموس زبان خودتان خارج کنید و بجای آن کلمه ایرانی را انتخاب فرمائید» (همان کتاب ص ۱۴۲)

همین مرد بزرگوار زمانی که با سلطان محمد خامس به گفتگو می نشیند بیان میکند: «مقصود از مهاجرت ما ایرانیان به این کشور اینست که اولاً دولت عثمانی صحبت الحاق قسمتی از خاک آذربایجان را بخاک عثمانی موقوف نماید تا ثانیاً در موضوع صمیمیت بین برادران مسلمان ایرانی و ترک مذاکراتی بعمل آوریم» (همان کتاب ص ۱۴۱)

مدرس بگونه یک مجتهد آگاه و مجاهد در دفاع از اصل استقلال و تمامیت ارضی همه متجاوزان را در یک خط قرار میدهد: «هر کس تمایل به سیاستی نماید ما یعنی ملت ایران با او موافقت نخواهیم نمود چه رنگ شمال چه رنگ جنوب، چه رنگ

آخردنیا» (سید حسن مدرس تألیف ابراهیم خواجه نوری ص ۱۲) در دنبال همان نطق معروف (۲۱ جوزای ۱۳۰۲) روشن تر یاد آور میشود: «منشاء سیاست ما دیانت ماست. ما با تمام دنیا دوستیم، مادامی که متعرض ما نشده اند هر کس متعرض ما بشود متعرض او خواهیم شد. همین مذاکره را با مرحوم صدر اعظم شهید عثمانی کردم. گفتم اگر کسی بدون اجازه ما وارد سرحد ایران شود و قدرت داشته باشیم او را با تیر می زنییم خواه کلاهی باشد، خواه عمامه ای باشد، خواه شاپو بزرگ داشته باشد، بعد که گلوله خورد و زمین خورد، دست منکمیم ببینیم ختنه کرده است یا نه؟ اگر ختنه کرده بود براو نماز میخوانیم و اگر ختنه نکرده بود او را دفن میکنیم، دیانت ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت ما» (مدرس قهرمان آزادی ص ۲۰۹) مدرس، آن پیشوای بزرگ ملی آن بیان کننده و روشنگر سیاست «توازن عدمی» گام را چنان فرامی نهاد که نسبت به سرزمینهای جدا شده از ایران چون عراق چنین میگوید:

«بین النهرین روح ایران است و لکه این قطعه بین النهرین که امروز عراق عرب است و قبل از این در مجاورت با جزیره العرب متعرب شد، اساساً یک قطعه اصلی از ایران بود. ما روحاً و جسماً در هر جهت بآن زمین و اهالی آن زمین علاقه مندیم» (آرمان ملت شماره ۳) مرحوم آیه الله سید محمد طباطبائی در کشاکش مشروطه خواهی بیان کرد:

«ایران وطن من است، اعتبارات من در این مملکت است، خدمت به اسلام در این محل است» مرحوم ثقة الاسلام تبریزی که در روز عاشورای حسینی بدستور قشون اشغالگر روسی، ملاقات حق تعالی را از «دار» آغاز کرد و از این طریق به معراج انسانی رسید، میگوید:

«ایران خراب خانه ماست و این هامون پر خون آشیانه ما و این وطن عزیز مادر ماست که اجانب دست به تعرض بدانان عصمتش دراز کرده اند و این مدفن آباء و اجدادی ماست که میخواهند بدست قوم بی تمیز بیفتند.»

مرحوم شیخ محمد خیابانی نیز یکی دیگر از روحانیون بلند مرتبه ای است که منشور «شهادت» خود را در دوستی و وطن و ملت رقم زده است میگوید:

«ما میگوئیم مشروطیت حقیقی در مملکت حکمرانی کند، نفوذهای شخصی و امتیازات ملغی و منسوخ گردد، حاکمیت ملت واقعیت داشته باشد.»

«حاکمیت با ملت است نه در دست اشخاص ترسو و جبون که مملکت را بفروشد.»

«در مسلک، ما ایران مال ایرانیان است.»

«ما مکرر دیده ایم که آزادی را در این مملکت بدست اجانب بر هم زده اند، ایران را ایرانی باید آزاد کند.»

«ما میگوئیم مدلل خواهد داشت که در ایران یک افکار عمومی و یک اراده ملی نیز وجود دارد.»

میرزا کوچک خان جنگلی که آموزشهای خود را از اسلام داشته است و در راه آرمان خود بشهادت رسیده است در نامه ای به نفیسی می نویسد:

«... تاریخ نشان میدهد که چند بار سیاست دول بیگانه در کشورمان نفوذ کرد اما همین که خواسته احساسات ملی و آزادمندی ایرانی را منکوب کنند مساعیشان عقیم ماند (وقتی که مار کبکسیها تاریخ می نویسند ص ۸۱) و در جای دیگر میگوید: «من و یارانم در مشقتهای فوق الطاقه چندین ساله هیچ مقصودی نداشته و نداریم جز حفظ ایران از تعرضات خارجی و فساد خائنینی داخلی، تأمین آزادی رنجبران ستم دیده مملکت و استقلال حکومت ملی (نامه به روتشتین- همانجا ص ۲۸) برای کوردلانی که میخواهند با تفکیک «مسأله ملی» از «حکومت اسلامی» تفرقه و جدائی میان ملت یک پارچه بوجود آورند، می توان نمونه های فراوانی از گفته های روحانیت مبارز و پیشرو ایران نقل کرد و نشان داد، آنانکه در دفاع از اسلام به «شهادت» رسیدند، ایران را چنین شناختند، واقعیت را شناختند و این شناخت با شناخت کسانی که اسلام را در «ریاست» شناخته اند بسیار فرق دارند.

کسانی که بنام «روحانیت» تفرقه اندازی می کنند، پسندیده است آخرین گفته امام خمینی را بشنوند که فرمود: «اگر شما خدای ناخواسته کارهایی انجام بدهید که از چشم ملت بیفتد ولو در درازمدت آنروز است که دیگر فانونم لازم

ملاقات حق تعالی را از «دار» آغاز کرد و از این طریق به معراج انسانی رسید، میگوید:

## ملت گرای پرچم بر افراشته همه مبارزان ضد استعمار



### مسجد یا سنگر

اسلامی، سازمانی همه جانبه است و چون مسجدها و دیوارها و بسیاری پرستشگاههای دیگر، انسان را فقط در یک بعد عبادتی، تعالی نمیدهد، یعنی علاوه بر ایجاد پیوند معنوی با خالق جهان در یک حرکت تکاملی، پروردگاری انسان و سامان دادن آن در تمام جنبه‌های حیات اجتماعی نحوه دارد.

این نهاد همراه آرمانهای اسلامی از همان قرن اول هجری به کشور ما وارد گردید و مسجدهای مشهور که از نظر معماری و هنری، عظیمترین و زیباترین بناهای اسلامی هستند، طی قرنهای مساعی در مسقطفقه‌های گوناگون ایران با الهام از سبکهای ملی و محلی و اندیشه‌ها و دوقیام ایرانی بیان نهاده شدند.

مساجد اسلامی که از بدو تاسیس مرکز تجمع و آموزش و تصمیم‌گیری مسلمانان بود، مرور تقدس آن در بخش عبادتی فرار گرفت و در این امر قدرتهای سیاسی جامعه نیز برای خارج کردن اسلام از پیله حکومت و سازندگیهای حکومتی، نسلشهای فراوانی سکار سردند و بسیاری از شاهان و امیران، مساجد بزرگی بیان نهادند تا حقایق سیاسی بدست آوردند و مومنان نیز بی‌دعای در کارهای سیاسی، دعاگوی بیابان و تنولیان آن باشند در دوران سیاه استبداد که تمام سازمانها و احزاب سیاسی و تشکلهای اجتماعی و فرهنگی، از دانش حق فعالیت آزاد محروم شدند و هیچ مرکز و ملجائی برای تجمع سالی نماند، «مسجد» دوباره وظیفه‌های تاریخی و دینی و سیاسی خود را دست آورد و این امر بدیبال قیام حوین پانزدهم مردادماه چشمگیرتر گردید.

دستگاه صدف رنگی و مستند و یک بعدی رستخیزی که هیچ اندیشه و مرامی را در «مکتب شاهنشاهی» تحمل نمیکرد تمام تلاشهای خود را بکار برد تا مسجدها را از وظیفه‌های خود دور سازد. این کارهای ویرانگر، گاه جنبه حمله بود میگرفت و به مسجدها حمله می‌شد، مومنان مصدوم و مجروح و مقتول میشدند، قرآن‌ها و مجربها به آتش کشیده میشدند و گناه سافرستانان روحانی بمایان مسجدها به سواک و سازمان اوقاف به میرها و دعاگوئی به ودان اقدسی شاهانه، در حرکت مردم انحراف بوجود می‌آوردند، اما هیچ کدام از این سیرنگها نتوانست به نهضت اسلامی ایران آسیب‌هایی فراوان وارد آورد و پیروزی ملت ما در آن نبرد نابرابر و سرانجام ایجاد نظام جمهوری اسلامی ایران، گناه صادق این گفتار است.

در سالهای پیش که «دائم جماعت» و برخی از روحانیان نامور سیاسی توجه نمیکردند و گناه از آنها جواحت می‌شد، که در یک امر کوچک اجتماعی، مومنان را همراهی کند، تصورهای گوناگون شاه حالی میکردند ساگاه در موج انقلاب فرار گرفتند و به سیاست کشیده شدند. بسیاری از «مفسران حجج» که سیاست را دون شان خود میدانستند و اعتقاد می‌وریدند که باید محراب را پانید و مومنان را سپهانگداشت. همایها که مدرسی را روزگاری سهای آنها، در چنگال رصاحان رهسایز کردند و اسام حمیسی را در برابر دزحیم‌ترین دستگاه‌های حکومتی جهان، بی‌یاورش گذاشتند، یکباره

پس از آنکه مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد - «این یک سوطه است که می‌خواهند مسجدها را کم‌کم حالی کنند»

امام حمیسی رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران، به بخش درامد سوطه میر نوحه کرده و بیان دانستند: «باید حوره قهاب را حفظ کنید»

«این حوره‌های قهاب سوده است که فرار و چند صد سال اسلام را نگاه داشته است»

«باید حالا فکر کنید، حالا که باید امور سیاسی را هم درحالت بکنیم، پس نه قهاب کار نداشته باشیم»

خوشحانه ماه مبارک رمضان فرارسیده است مردم با ایمان طبق سنت‌های اسلامی به مسجدها فراوانه شدند. امام حمیسی، نیز با پیام خود حرکت جدیدی بوجود آوردند بکوشیم با تجمع در مسجدها این ماه خدا را که ماه رحمت و برکت است براسنی به ماه ترکیه نفس و خودسازی مبدل سازیم.

بکوشیم تا به ندای رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران پاسخ دهیم و از روحانیان بخواهیم تا با حفظ مواضع مبارزاتی و سیاسی سازنده خود، و زنده کردن سنتهای انقلابی «مسجد» بارشاد و هدایت مردم بپردازند.

بکوشیم کسینه‌ها و رشک‌ها و خودخواهی‌ها را از خود دور سازیم. بکوشیم یگانه باشیم و از جدائی‌ها پرهیز کنیم. بکوشیم روزه داریم و فلسفه روزه را بشناسیم و پایبند آن باشیم بهمان سان که خدایتعالی فرمود:

کتابت علیکم الصیام کماکتب علی‌الدین من قبلکم لعلکم تتقون

### حضور روحانیت

بیست خود ملت شما را کنار می‌رند

این دهن گریبان سی‌راسته با تاریخ و علم و متی پویا و حوشان جامعه، تا کی می‌خواهد انحصار گری خود را ادامه دهد؟ این گروه که خود را تنها «مستولیان» انقلاب و «مکتبی»‌ترین شاساگران اسلام میدانند، آیا یک بار از خود پرسیده‌اند چرا این انقلاب عظیم در حیزه‌العرب، یعنی گاهواره نخستین اسلام انجام نیافت؟

چرا در اندویری، یعنی پرجمعیت‌ترین کشورهای اسلامی شکوفه‌های انقلاب را آنچنان تر کرد، بطوریکه مسجدها حالی شدند و نمازهای جماعت از شکوه انقلابی نهی گردیدند.

امام حمیسی که چندین بار حطر این مساله را یادآور شده بودند، در پیش از ظهر جمعه بیستم نیرماه، که گروهی از روحانیان و ائمه جماعت و مردم معتمد و آگاه تهران در حسینیه حماران دیدار ایشان رفته بودند، این اساسی‌ترین امر انقلابی را برای چندمین بار بهمگان یادآور شدند.

«دائم جماعت باید این مساجد را بگه دارند و خطبای ساید مبارک را محکم بگه دارند»

«این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد» - «این یک سوطه است که می‌خواهند مسجدها را کم‌کم حالی کنند»

امام حمیسی رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران، به بخش درامد سوطه میر نوحه کرده و بیان دانستند: «باید حوره قهاب را حفظ کنید»

«این حوره‌های قهاب سوده است که فرار و چند صد سال اسلام را نگاه داشته است»

«باید حالا فکر کنید، حالا که باید امور سیاسی را هم درحالت بکنیم، پس نه قهاب کار نداشته باشیم»

پس از آنکه مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد - «این یک سوطه است که می‌خواهند مسجدها را کم‌کم حالی کنند»

امام حمیسی رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران، به بخش درامد سوطه میر نوحه کرده و بیان دانستند: «باید حوره قهاب را حفظ کنید»

«این حوره‌های قهاب سوده است که فرار و چند صد سال اسلام را نگاه داشته است»

«باید حالا فکر کنید، حالا که باید امور سیاسی را هم درحالت بکنیم، پس نه قهاب کار نداشته باشیم»

شده‌ی اس؟  
ملتی که قریها دلت و خواری و ستم و انواع آسپهای بیگانگان را از یوسی و رومی تا عرب و ترک و معول تحمل کرده و دوقرب بردوا' علیه استعمارگران چون آشام و عاملهای درون مرزی آن جنگیده و باردیگر دردیگی چدهزار ساله خود حضور مستقیمش را در تاریخ بیان داشته، می‌تواند موجودیت و هستی و هویت خود را انکار نماید؟

بتحقیق دشمنان ایران این آرزو را بگور خواهد برد همان‌سان که دشمنان اسلام آرزوی محوس «اسلام رادائی» را در ایران بگور بردند.

ایزان جانه اسلام است و ایرانیان با همه وجود اسلام را پس‌دیرفته‌اند و «ایرانیت» و «اسلامیت» از یکدیگر جدا خواهد شد.

کسانیکه با چسباندن پندارهای پوسیده نژادی و فلسفه‌های ضدانسانی «رستخیزی» و «پهلویسم» می‌خواهند چهره درخشان نهضت‌های ایرانی را غبار آلود سازند، اگر از تاریخ و ویژگیهای جنبش ملت گرایانه ایران ناآگاه نباشند، بی‌هیچ تردید در خدمت امپریالیسم و «ضدانقلاب» هستند و جر تفرقه‌اندازی و فتنه‌گری هدفی ندارند و مسلما مردم ایران به این «خناسان» رمان که در زمره «الذین یوسوسون فی صدور الناس» هستند، در زمان مناسب پاسخی درخور خواهند داد، همان مردمیکه امام حمیسی در سالها پیش در کنار کشف الامرا (ص ۳۳۴) به آنها خطاب کرده است: «هم میهنان عزیز

خواندگان گرمی - برادران ایمانی، جوانان ایران دوست، ایرانیان عظمت خواه مسلمان عزت‌طلب، دینداران استقلال خواه».

پس این پرسشها را تاریخ آینده جهان خواهد داد بهمان‌سان که پرسشهای این خلدون در قرن هشتم هجری در رابطه با نهضت عظیم فرهنگی در جهان اسلام، امروز برای آشیای جامعه‌شناسی تاریخی روشن گردیده است، آنجا که می‌پرسد: «ار شگفتی‌هایی که واقعیت دارد اینست که بیشتر دانشوران ملت اسلام، خواه در علوم شرعی و چه در دانشهای عقلی بجز در موارد نادری غیر عرب‌بند و اگر کسانی از آنان هم یافت شوند که از حیث‌نژاد عرب‌بند، از لحاظ زبان و مهد تربیت و مشایخ، عممی (ایرانی) هستند با اینکه ملت (مذهب) و صاحب شریعت عربی است» (مقدمه ترجمه محمد پروین گابادی جلد دوم ص ۱۱۵۳).

آیا سزاوار است «ملتی» که در تاریخ بی‌هیچ اجبار و اکراه اسلام را پذیرفت و در راه توسعه و گسترش علمی آن تلاش کرد و جهات پاسداری آن قرن‌ها خون داد و سرانجام نخستین انقلاب تاریخی را در مسیر تحقق آن بوجود آورد و صمیمانه می‌خواهد همه آرموبها و دانشها و شاختهای خود را در خدمت همه مردم جهان قرار دهد، گروهی نابجرد و ناآگاه و نامهربان سحای پادش حتی «ایرانی» بودن را از آن سلب نمایند؟ مگر این کار

خواندگان گرمی - برادران ایمانی، جوانان ایران دوست، ایرانیان عظمت خواه مسلمان عزت‌طلب، دینداران استقلال خواه».

پس این پرسشها را تاریخ آینده جهان خواهد داد بهمان‌سان که پرسشهای این خلدون در قرن هشتم هجری در رابطه با نهضت عظیم فرهنگی در جهان اسلام، امروز برای آشیای جامعه‌شناسی تاریخی روشن گردیده است، آنجا که می‌پرسد: «ار شگفتی‌هایی که واقعیت دارد اینست که بیشتر دانشوران ملت اسلام، خواه در علوم شرعی و چه در دانشهای عقلی بجز در موارد نادری غیر عرب‌بند و اگر کسانی از آنان هم یافت شوند که از حیث‌نژاد عرب‌بند، از لحاظ زبان و مهد تربیت و مشایخ، عممی (ایرانی) هستند با اینکه ملت (مذهب) و صاحب شریعت عربی است» (مقدمه ترجمه محمد پروین گابادی جلد دوم ص ۱۱۵۳).

آیا سزاوار است «ملتی» که در تاریخ بی‌هیچ اجبار و اکراه اسلام را پذیرفت و در راه توسعه و گسترش علمی آن تلاش کرد و جهات پاسداری آن قرن‌ها خون داد و سرانجام نخستین انقلاب تاریخی را در مسیر تحقق آن بوجود آورد و صمیمانه می‌خواهد همه آرموبها و دانشها و شاختهای خود را در خدمت همه مردم جهان قرار دهد، گروهی نابجرد و ناآگاه و نامهربان سحای پادش حتی «ایرانی» بودن را از آن سلب نمایند؟ مگر این کار

خواندگان گرمی - برادران ایمانی، جوانان ایران دوست، ایرانیان عظمت خواه مسلمان عزت‌طلب، دینداران استقلال خواه».

پس این پرسشها را تاریخ آینده جهان خواهد داد بهمان‌سان که پرسشهای این خلدون در قرن هشتم هجری در رابطه با نهضت عظیم فرهنگی در جهان اسلام، امروز برای آشیای جامعه‌شناسی تاریخی روشن گردیده است، آنجا که می‌پرسد: «ار شگفتی‌هایی که واقعیت دارد اینست که بیشتر دانشوران ملت اسلام، خواه در علوم شرعی و چه در دانشهای عقلی بجز در موارد نادری غیر عرب‌بند و اگر کسانی از آنان هم یافت شوند که از حیث‌نژاد عرب‌بند، از لحاظ زبان و مهد تربیت و مشایخ، عممی (ایرانی) هستند با اینکه ملت (مذهب) و صاحب شریعت عربی است» (مقدمه ترجمه محمد پروین گابادی جلد دوم ص ۱۱۵۳).

آیا سزاوار است «ملتی» که در تاریخ بی‌هیچ اجبار و اکراه اسلام را پذیرفت و در راه توسعه و گسترش علمی آن تلاش کرد و جهات پاسداری آن قرن‌ها خون داد و سرانجام نخستین انقلاب تاریخی را در مسیر تحقق آن بوجود آورد و صمیمانه می‌خواهد همه آرموبها و دانشها و شاختهای خود را در خدمت همه مردم جهان قرار دهد، گروهی نابجرد و ناآگاه و نامهربان سحای پادش حتی «ایرانی» بودن را از آن سلب نمایند؟ مگر این کار

### در شرق دور

بقیه از صفحه سوم  
ارسی ویتنام را تهدید کند.

بر اساس احلاق و پراکت بین‌المللی در رابطه دو کشور همسایه، بر مسئولیت سنگینی بر کشوری است که از اقتدار و نفوذ بیشتر برخوردار می‌باشد، ویتنام قهرمان آزادیگی که یکی از نیرومندترین ارتشهای جهان را در اختیار دارد انتظار آن می‌رفت که در برابر ناسازگاری همسایه خود بردباری بیشتری نشان دهد.

اینک حکومت کامبوج سرنگون شده و حکومتی بر سر کار آمده که با ویتنام و روسیه روابط بسیار نزدیکی دارد و حکومت ساقط شده کامبوج به تلاشهای ایدایی بر علیه حکومت کنونی پرداخته و بدینسان نفوذ روسیه در شبه جزیره هندوچین مستقر شده است.

اینک روسها توفیق یافته‌اند در برابر قدرت گسترده چین در شرق دور، سازمان سیاسی و نظامی به گونه‌ی نسبی نیرومندی برقرار سازند، گرچه این سازمان نام و مشخصه‌های خود را به طور رسمی اعلام نداشته است، ولی پدید آمدن غیررسمی آن در فضای سیاست جهانی احساس می‌شود. این سازمان فدراسیون هندوچین است.

ویتنام و سایر کشورهای شبه‌جزیره هندوچین با بسرد دلیرانه ضداستعماری خود در سیاست جهانی فصل‌های تازه‌ای گشودند. و بر بشریت ازمنه‌های گرانبه‌ها عرضه داشتند. ایسان به آسانی می‌توانستند قسارغ از

آقای احمد رسائلی بشناسامه ۸ گلیپانک بشرح دادخواست کلاسه ۱۳۰۹-۵۹/۳۵ این شعبه توضیح داده شادروان محمد اسماعیل رسائلی بشناسامه ۱۱۳۳۶ در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲۲ در گذشته وراث حسین الفوت این مرحوم عبارتند از ۱- مناقضی با مشخصات فوق‌الذکر پسر متوفی ۲- سرور رسائلی به شناسنامه ۵۰ صادره از گلیپانک ۳- فاطمه رسائلی به شناسنامه ۸۴ صادره از گلیپانک ۴- معصومه رسائلی به شناسنامه ۲۷۳ صادره از گلیپانک دختران متوفی ۵- رباب آهن‌گران به شناسنامه ۹۹۰۵ صادره از گلیپانک عیال دائمی متوفی ورته دیگری ندارد.

لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد وهر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. م الف ۸۵۷۴-۱

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمدابراهیم طائف.

آگهی حصر وراثت  
آقای احمد رسائلی بشناسامه ۸ گلیپانک بشرح دادخواست کلاسه ۱۳۰۹-۵۹/۳۵ این شعبه توضیح داده شادروان محمد اسماعیل رسائلی بشناسامه ۱۱۳۳۶ در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲۲ در گذشته وراث حسین الفوت این مرحوم عبارتند از ۱- مناقضی با مشخصات فوق‌الذکر پسر متوفی ۲- سرور رسائلی به شناسنامه ۵۰ صادره از گلیپانک ۳- فاطمه رسائلی به شناسنامه ۸۴ صادره از گلیپانک ۴- معصومه رسائلی به شناسنامه ۲۷۳ صادره از گلیپانک دختران متوفی ۵- رباب آهن‌گران به شناسنامه ۹۹۰۵ صادره از گلیپانک عیال دائمی متوفی ورته دیگری ندارد.

لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد وهر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. م الف ۸۵۷۴-۱

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمدابراهیم طائف.

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضامنه به آقای حسین غلامرضا جابری ساکن تهران خیابان خیام پاساژ تقی‌زاده شماره ۸۰، آقای مهدی فتحخاری وکیل آقای محمد صادقی پور محلاتی دادخواستی بخواسته مبلغ یک میلیون و چهارصد هزار ریال وجه بانضمام خسارات باستاند هفت برگ سفته و واخواستنامه بطرفیت شما بدادگاه عمومی تهران تقدیم که جهت رسیدگی باین شعبه ارجاع و تحت کلاس ۱۵۶۵/۵۸ به روز چهارشنبه ۹/۱۰/۱۷ ساعت ۱۰/۵ صبح وقت رسیدگی تعیین گردیده نظرباینکه مامور ابلاغ اخطاریه وقت دادرسی منضم نسخه ثانوی دادخواست و ضامنه را در نشانی فوق طبق ماده ۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی ابلاغ و اعلامیه بمحل اقامت شما الصاق گردیده لذا مراتب به تجویز تبصره ذیل ماده فوق‌الذکر یکنوبت آگهی میشود که در وقت مقرر در دادگاه حاضر شوید والا اخطاریه و دادخواست و ضامنه ابلاغ شده محسوب و دادگاه رسیدگی و اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

م الف ۸۵۷۲  
مدیر دفتر شعبه ۱۴ دادگاه عمومی تهران - کبیری

گروه‌بندی‌های سیاسی در مقام آبادسازی کشور خود باشند و جنبش غیرمتمهدها را رونق و استواری بخشند.

سرچشمه تاریخ نخشکیده است و حادثه‌ها یکی بعد از دیگری رخ خواهد داد. در ریمه‌های بسیار برای روشتر شد. سیاست کشورهای فراهم خواهد آورد و سخنان تازه بر زبان ملت‌ها خواهد نهاد و رزم‌آوران بلندآوازه ویتنام و رهبران سیاسی خردمند و آگاه آنان در چپ - راست سیاسی جهان هم

گروه‌بندی‌های سیاسی جهان هم به خوبی اثر خواهند گذاشت.

راه ابریشم مدت‌ها است که دیگر معبر کاروانهای بازرگانان نیست و مدت‌ها است که فرآورده‌های چین از آسیای غربی عبور نمی‌کند، ولی از این پس آبهای پاسیفیک شاهد کشتی‌هایی خواهد بود که فرآورده‌های چین را به چهار گوشه جهان حمل می‌کنند.

چین با بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته و به یاری مردم پرتلاش کالاهای خود آفرید و بر توانائی‌های نظامی و سیاسی خود خواهد افزود.

دو قدرت بزرگ کمویسم، در مصاف هم کاپیتالیسم را به داوری نهائی می‌شناسند، و راه نجات را بر آن می‌کشاند. اینرو اسب که آقای کارتر برای ادای احترام به نخست‌وزیر در گذشته ژاپن شتابزده راهی توکیو می‌شود اما ضروری نمی‌بیند که در بلسگرازد در کنار دیگر دولتمردان نامدار جهان بر خاطره تیتو احترامی نثار کند.

آقای احمد رسائلی بشناسامه ۸ گلیپانک بشرح دادخواست کلاسه ۱۳۰۹-۵۹/۳۵ این شعبه توضیح داده شادروان محمد اسماعیل رسائلی بشناسامه ۱۱۳۳۶ در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲۲ در گذشته وراث حسین الفوت این مرحوم عبارتند از ۱- مناقضی با مشخصات فوق‌الذکر پسر متوفی ۲- سرور رسائلی به شناسنامه ۵۰ صادره از گلیپانک ۳- فاطمه رسائلی به شناسنامه ۸۴ صادره از گلیپانک ۴- معصومه رسائلی به شناسنامه ۲۷۳ صادره از گلیپانک دختران متوفی ۵- رباب آهن‌گران به شناسنامه ۹۹۰۵ صادره از گلیپانک عیال دائمی متوفی ورته دیگری ندارد.

لذا مراتب به نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد وهر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. م الف ۸۵۷۴-۱

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمدابراهیم طائف.

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضامنه به آقای حسین غلامرضا جابری ساکن تهران خیابان خیام پاساژ تقی‌زاده شماره ۸۰، آقای مهدی فتحخاری وکیل آقای محمد صادقی پور محلاتی دادخواستی بخواسته مبلغ یک میلیون و چهارصد هزار ریال وجه بانضمام خسارات باستاند هفت برگ سفته و واخواستنامه بطرفیت شما بدادگاه عمومی تهران تقدیم که جهت رسیدگی باین شعبه ارجاع و تحت کلاس ۱۵۶۵/۵۸ به روز چهارشنبه ۹/۱۰/۱۷ ساعت ۱۰/۵ صبح وقت رسیدگی تعیین گردیده نظرباینکه مامور ابلاغ اخطاریه وقت دادرسی منضم نسخه ثانوی دادخواست و ضامنه را در نشانی فوق طبق ماده ۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی ابلاغ و اعلامیه بمحل اقامت شما الصاق گردیده لذا مراتب به تجویز تبصره ذیل ماده فوق‌الذکر یکنوبت آگهی میشود که در وقت مقرر در دادگاه حاضر شوید والا اخطاریه و دادخواست و ضامنه ابلاغ شده محسوب و دادگاه رسیدگی و اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

م الف ۸۵۷۲  
مدیر دفتر شعبه ۱۴ دادگاه عمومی تهران - کبیری

## ملی کردن بازرگانی خارجی را بازاریابی نیاندازید



بازرگانی خارجی

ما از پاسخ وزارت بازرگانی به نامه ایشان خبر بد داریم و نیر نمی‌دانیم به طور کلی پاسخی داده شده است یا نه و لسی ستوالهایی که شوراهای اسلامی کارخانه‌های ریسندگی در نامه سرگشاده خود عنوان کرده‌اند سئوال‌های بسیار درستی است و باید پاسخ آنها از جانب وزارت بازرگانی به آگاهی افکار عمومی برسد.

نامه سرگشاده این شوراهای چند مسئله اساسی را در ذهن‌ها بیدار می‌کند نخست آنکه با وجود به تصویب رسیدن اصل ملی شدن بازرگانی خارجی، وزارت بازرگانی بر اساس چه قانون و یا اندیشهای ورود نرخ را اجسازه داده است و دوم آنکه وزارت بازرگانی به هنگام صادر کردن اجازه‌هایی از اینگونه، اثرهای ضمنی و جانبی آن را هم در نظر می‌گیرد یا نه، و سوم آنکه وزارت بازرگانی آیا به طور تقریبی از میزان تولید و مصرف کالاهای اساسی کشور آگاهی دارد یا نه.

وزارت بازرگانی وظیفه دارد که اصل ملی شدن بازرگانی خارجی را جدی تلقی کند و همه زمینه‌های وسیله‌های لازم برای اجراء شدن آن را فراهم آورد.

بازرگانی خارجی یکی از اصلی‌ترین گذرگاههای حیات اقتصادی است و از این گذرگاه میتوان صنایع داخلی کشور را در تنگنا قرار داد و یا راههای تازه پیشرفت بر آن گشود. بازرگانی خارجی در آشفته کردن نظام مصرف یا بسامان داشتن آن نیز نقش بسیار مؤثری دارد.

بازرگانی خارجی تنها یک عامل اقتصادی نیست. بازرگانی خارجی در پدید آوردن ذوق و سلیقه سالم یا انحرافی در عامه مردم و در غنی و بارور ساختن فرهنگ کشور یا در کاستن از ارزشها و توانائی‌های فرهنگی ملی نیز اثری بسیار دارد. وارد کردن کالای خارجی به بازار داخلی کشور می‌باید از مقوله سودجویی خارج گردد و به رعایت مصلحت‌های عمومی کشور گمارده شود.

هرگز نباید توفیند داخلی را به لحاظ وارد کردن کالا از خارج به آسیب گرفتار سازیم و نیز نباید سطح اشتغال در کشور را به خاطر وارد شدن کالاهای بیگانه پائین بیاوریم. راست است که فراهم آوردن سریع کالاهای مورد نیاز بازار و تامین رضایت و نظیر مصرف کننده بسیار ضروری است ولی خرسند داشتن مصرف کننده به هیچ روی نیار به درهم شکستن قدرت تولید داخلی ندارد.

آن شیوه بازرگانی خارجی که خرسندی مصرف کننده را در ویرانی تولید داخلی جستجو می‌کند، به راستی شیوهی نظر قدرتهای استعماری است. خرسند داشتن مصرف کننده به بهای فسا کردن ذخیره‌های ارزی کشور و به بهای از کار بیار داشتن

چرخهای تولید نمی‌تواند پایدار بماند. خرسندی خاطری که بدینسان حاصل می‌شود، ناگزیر دیری نمی‌پاید و زیر فشار ضرورت‌های اقتصادی، هر جامعه را به سوی آن می‌راند که از نیروی کار کشور بهره‌گیری کند. هیچ سیاست اقتصادی درست و اساسی نمی‌تواند بازدهی نیروی کار کشور را از محاسبات خود برکنار دارد. بی حاصل گذاشتن نیروی کار کشور و وارد کردن کالا به راستی ویران ساختن بنای اقتصادی کشور است.

بنابراین به هنگام وارد کردن کالا از خارج می‌باید اثر آن در سطح اشتغال به دقت سنجیده شود. و بی‌گفتگو پیدا است که هر کدام از کشورهای جهان به لحاظ امتیازهای طبیعی یا اجتماعی یا اقتصادی خود می‌توانند یک یا چند کالا را با شرایط مساعد و ارزان تولید و عرضه کنند و اگر راهی در پیش گرفته شود که صنایع و به طور کلی تولید کشور در کوران رقابتهای کشنده بین‌المللی قرار گیرد، با سرعتی بسیار زیاد، مختصر توانائی تولید ملی ما درهم خواهد شکست.

وارد کردن نخ، موضوع گفتگو نیست، بلکه طرح مسئله از جانب کارگران این رشته صنعتی، زمینه‌ای به دست می‌دهد که لزوم توجه بیشتر و دقیقتر به بازرگانی خارجی دوباره یادآور می‌شود.

بی‌هیچ تردید در جهان کشورهای وجود دارد که می‌توانند نخ را بهتر و ارزانتر از ایران تولید کنند، وارد کردن نخ ارزانتر و بهتر از فرآورده‌های داخلی کاری است بسیار آسان، ولی در برابر تفاوت اندک، احتمالی بهای نخ داخلی و خارجی، نیروی عظیم کارگران کشور را بی‌حاصل برجا می‌نهد و زبانی که از این رهگذر بر قدرت اقتصادی کشور وارد می‌کنیم، بارها و بارها بیش از سودی است که به احتمال ضعیف، از تفاوت بهای نخ داخلی و خارجی، نصیب مصرف کننده می‌گردد.

بازرگانی خارجی کشور از چنان اهمیت و تأثیری برخوردار است که نمی‌توان جریان یافتن آن را به ذوق و نظر یا برداشتهای کاربدستان سپرد. این روند اقتصادی می‌باید بر اساس یک نظر و فرض اقتصادی استوار گردد و همه کاربدستان را هم به پیروی از آن نظر و فرض واداشت.

ما پیشتر، نظرهای خود را درباره بازرگانی خارجی به طور فشرده بیان کرده‌ایم و اینک به اقتضای نیازی که به روشن شدن این گفتگو می‌بینیم، بار دیگر یادآور می‌شویم که اساس و جوهر علمی و فکری حاکم بر روند بازرگانی خارجی ایران می‌باید حفظ و گسترش قدرت تولید کشور باشد و هر تصمیمی که در این راستا نباشد، مورد تأیید نمی‌تواند قرار گیرد. منظور از حفظ و گسترش قدرت تولید داخلی آن است که رشته‌های گوناگون اقتصادی، مورد محاسبه قرار گیرد، و

ملاحظه شود که وارد کردن هر کالا از خارج چه اثرهایی در ظرفیت تولید داخلی نه‌جا می‌گذارد و اگر اثری منفی دارد می‌باید بی‌درنگ قطع شود. برای نمونه وارد کردن نخ، تولید کارخانه‌های داخلی را با دشواری روبرو می‌کند یعنی به کارخانه‌های ریسندگی ما احاره نمی‌دهد که همه ظرفیت خود را در تولید به کار آندارند یا به عبارت دیگر بر ظرفیت تولید داخلی اثر منفی می‌گذارد. در نتیجه وارد کردن این کالا از خارج درست نیست.

اگر به نخ در بازار داخلی احساس نیاز بسیار می‌شود، می‌باید بی‌درنگ کارخانه‌های ریسندگی را از این احساس نیاز آگاه ساخت، و از آنها خواست با افزودن بر میزان تولید خود، هر اندازه که می‌توانند، نیار بازار داخلی را برآورده کنند و نیز همزمان با افزایش تولید کارخانه‌های داخلی، در مجموع قدرت تولید داخلی نخ جستجو کرد، و روشن ساخت، آیا در سرتاسر کشور کارخانه یا کارگاهی هست که قادر به تولید نخ باشد ولی به دلایلی از کار بازمانده است، و به جای وارد کردن نخ به تجهیزات و راه‌اندازی آن کارخانه یا کارگاه پرداخت. و نیز در این مورد حتی می‌توان از کارگاههای دستی بازدید کرد و آنها را به راه‌اندازی و افزایش تولید تشویق نمود.

و هرگاه برای راه افتادن چرخ کارگاهها و کارخانه‌ها، به فراهم آمدن ابزار یا سرمایه پاماده اولیه‌ای نیاز است به فراهم آوردن آن پرداخت. و گرنه، با احساس کمترین نیاز، بازار داخلی را به روی کالاهای خارجی گشودن، نتیجه‌ای جز ویرانی تولید دربر نتواند داشت.

شیوه عمل انقلابی نیز به طور دقیق با آنچه بیان شد تطبیق می‌کند، و معنای روشن درست کاربرد انقلاب در نظام اداری کشور هم همین است.

انقلاب می‌باید به سریعتر چرخیدن چرخهای کارخانه‌ها و کارگاهها و به اشتغال بیشتر و تولید بیشتر بیانجامد. وارد کردن کالا از خارج شیوهی انقلابی نیست.

اقتصاد ایران شیوهی وارد کردن کالا از خارج رساله‌ها تجربه کرده، و از این رهگذر آسیبها و زیانها دیده است، و دیگر نباید به این شیوه گرایش پیدا کند. ایراد احتمالی بر آنچه گذشت فقط می‌تواند تامین رضایت مصرف کننده، و کمبود عرضه در بازار داخلی باشد که این ایراد هم به هیچ روی نمی‌تواند درستی استدلال‌های گفته شده را بیوشاند، زیرا پدید آمدن کمبود و کافی بودن عرضه یک کالا در بازار داخلی خود انگیزه نیرومندی برای تولید کنندگان است. هرگاه تولید کنندگان دریابند که کالایی در بازار کم‌یاب است می‌توانند با اطمینان خاطر و با جرئت بسیار به تولید آن کالای بپردازند و به دیگر سخن، پدید آمدن بی‌تعادلی در کار عرضه و مصرف خود یکی از شاه‌های دقیق و یکی از

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

مشکل بیکاری و

نظم و کار، پایندان پیروزی دوران سازندگی انقلاب



## از خبرهای هفته

## خبرنگاران خارجی زیر نظر وزارت امور خارجه قرار گرفتند

بر اساس لایحه‌ای که به تصویب شورای انقلاب رسیده است و ورود و خروج خبرنگاران خارجی با نظارت کامل وزارت امور خارجه صورت خواهد گرفت. متن لایحه باین شرح است:

«ماده واحده- ورود و خروج خبرنگاران خارجی به کشور با نظارت کامل وزارت امور خارجه صورت میپذیرد و مقامات دولتی و یا نهادهای انقلابی حق جلوگیری از ورود یا ممانعت از فعالیت و یا بازداشت خبرنگارانی را که قبلاً اجازه وزارت خارجه را دریافت داشته‌اند، ندارند و مقامات مذکور در هر مورد که با اشکالی مواجه شدند، مراتب را به وزارت امور خارجه منعکس خواهند نمود تا تصمیم لازم از طرف آن وزارتخانه اتخاذ گردد و بهر تقدیر اتخاذ تصمیم در مورد اخراج یا توقیف خبرنگاران خارجی با وزارت امور خارجه خواهد بود.»

## اعلام رسمی «سلسله مراتب» در ارتش

اطلاعیه زیر این هفته از سوی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران انتشار یافت:

بسم الله الرحمن الرحيم

در اجرای فرمان رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران دایر بر رعایت سلسله مراتب بدین وسیله یکبار دیگر ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام میدارد.

۱- سلسله مراتب فرماندهی پس از تفویض اختیار از مقام رهبری به ریاست جمهوری عبارتست از:

مقام ریاست جمهوری بعنوان فرمانده کل نیروهای مسلح از طریق ستاد مشترک به فرماندهان نیروهای سه گانه و سپس به یگانهای تابعه نیروها و در این سلسله مراتب مقام مسئول یا غیرمسئول دیگری وجود نداشته و حق دخالت در این سلسله مراتب را ندارد.

۲- کلیه احکام بازداشت ارتشیان شاغل ابتدا میبایستی با امضای دادستان کل انقلاب اسلامی و یا دادگاه انقلاب ویژه ارتش بوده و سپس با هماهنگی فرماندهان بوسیله دژبان پادگان اقدام به احضار پرسنل ارتشی شاغل بنمایند.

۳- فرماندهان و مسئولان ارتشی مکلف به رعایت موارد بالا بوده و در صورتیکه مقامات مسئول و یا غیرمسئول برخلاف موارد بالا اقدام نمایند اجرا ننموده و موارد را از طریق سلسله مراتب به ستاد مشترک اعلام تا به آگاهی فرماندهی کل نیروهای مسلح برسد.

باید پرسید که آیا اقدام اخیر استاندار خوزستان که فرماندهان لشکر و پایگاه نیروی دریایی و پایگاه نیروی هوایی و چندتن دیگر از فرماندهان ارتش را از سمتهای خود برکنار و بازداشت کرده و بجای آنها افرادی از سپاه پاسداران را منسوب کرده است، در رابطه با اجرای این اطلاعیه بوده یا عملی است خودسرانه و در جهت تضعیف ارتش؟

## تیمسار باقری بوسیله انجمن اسلامی نیروی هوایی بازداشت شده بود

حجت الاسلام فضل اله محلاتی، نماینده امام خمینی در سپاه پاسداران در گفتگویی با خبرگزاری پارس در جواب این سؤال که گفته میشود در دستگیری آقای باقری بعضی از افراد سپاه شرکت داشته‌اند. گفت: من هنوز این مسئله را بررسی نکرده‌ام ولی طوری که به من اطلاع دادند، ایشان را سپاه دستگیر نکرده و بعضی از افراد انجمن اسلامی نیروی هوایی این برنامه را انجام دادند.

## هیچ کارخانه‌ای نداریم که متوقف باشد!

مهندس مسعود هسته‌ای «معاون وزارت صنایع و معادن و مدیر عامل سازمان صنایع ملی دریک گفتگوی مطبوعاتی گفت:

«میزان تولید در صنایع ایران بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و هم‌اکنون کارخانه‌ها یک واحد صنعتی در سطح کشور وجود ندارد که متوقف باشد و صنعت در ایران بسوی یک صنعت سالم در حرکت است.»

## خبرهای حزبی

## آمادگی برای شرکت در بحث آزاد عقیدتی

به دنبال صدور اطلاعیه تاریخ ۱۳۵۹/۴/۱۷ معاون سیاسی وزارت کشور دایر بر غدن گردیدن راهپیمائی‌های تقاضا شده و دعوت گروههای سیاسی به داشتن «یک سلسله مباحث آزاد عقیدتی و سیاسی» حزب ملت ایران طی نامه‌ای که در زیر درج میگردد، آمادگی خود را برای شرکت در برنامه پیشنهادی اعلام داشت ولی تاکنون وزارت کشور ترتیب اجرای آنرا نداده است.

## جناب آقای مصطفی میرسلیم معاون سیاسی وزارت کشور

حزب ملت ایران با وجود آنکه ندادن اجازه راهپیمائی و گروه‌آئی به سازمانهای سیاسی را بهر دلیل باشد حصر آزادیهای فردی و اجتماعی و خلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌داند، چون اعتقاد دارد که باید از هر فرصت برای آگاه سازی مردم از آرمانها و دیدگاههای سیاسی گوناگون بهره جست، آمادگی خود را برای شرکت در هر گونه «بحث آزاد عقیدتی» اعلام میدارد و هم‌زمان مهندس علی‌اصغر گل‌سرخ‌ری را برای حضور در جلسهای که ترتیب اجرای برنامه پیشنهادی را خواهد داد معرفی مینماید.

۱۳۵۹/۴/۱۹  
دبیرخانه حزب ملت ایران

## تعطیل دیدارهای همگانی دبیر حزب

طبق اطلاعیه دبیرخانه حزب دیدارهای همگانی هم‌زمان داریوش فروهر که همه هفته روزهای پنجشنبه صورت میگرفت به علت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان از تاریخ بیستم تیرماه تا سی و یکم مردادماه انجام نخواهد گرفت.

## ویژه‌نامه سی تیر

برای گرامیداشت یاد شهیدان قیام ملی سی‌ام تیرماه یکپهزار و سیصد و سی و یک، این جانشینان راه استقلال و آزادی ایران، آرمان ملت به جای شماره آینده خود ویژه‌نامه‌ای در روز دوشنبه سی‌ام تیرماه انتشار خواهد داد.

## جمعیت شیر و خورشید سرخ، به هلال احمر تغییر نام یافت

سخنگوی جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران (شیر و خورشید سرخ سابق)، با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که سیدابوالحسن بنی‌صدر طی نامه‌ای به مسئولان جمعیت ابلاغ کرد که آرم و نام جمعیت شیر و خورشید سرخ به هلال احمر تغییر پیدا کرد.

برای اطلاع خوانندگان باید گفت که «هلال احمر» نه اسلامی است و نه عربی بلکه یادگاری است از سلطه عثمانیها بر کشورهای اسلامی و حالا چرا آقای رئیس‌جمهور تن به محو شیر خورشید سرخ (که هم اسلامی است و هم ایرانی و از لحاظ تاریخی هیچگونه ارتباطی هم با شاه و شاهنشاهی ندارد) داده‌اند، باید از خودشان پرسید.

## مجازات عاملهای سانحه «پرواز سیاه» خواسته شد.

بر اساس گزارش روزنامه‌ها عصر روز سه شنبه هفته گذشته بازماندگان سانحه هوایی پرواز سیاه (سانحه لشگرک) در محل باشگاه هواپیمائی ملی ایران واقع در فرودگاه مهرآباد گرد هم آمدند.

در این گردهم‌آئی شورای اجرائی بازماندگان، سهل‌انگاری و مسامحه کار بدستان را در جهت تعیین و شناسائی مسئولان و عاملهای حادثه محکوم کردند و به صراحت اعلام کردند که مسئولان و متصدیان امر با انواع حیلها میخواهند این پرونده مهم و ملی، مانند حادثه سینما رکس آبادان به بوته‌ی فراموشی سپرده شود.

بازماندگان در پایان از دادستان کل کشور خواستند تمام کسانی را که نمیخواهند ابهامهای این پرونده روشن شود و نیز عاملهای این سانحه را محاکمه و به اشد مجازات برسانند.

## در یاد کشاورز صدر رهرو راستین راه مصدق

سیدمحمد علی کشاورز صدر، یار وفادار مصدق، دولت مرد توانا و آزادخواه سرسخت، نویسنده و پژوهشگر بزرگ به سال ۱۲۸۸ در شهر خمین، چشم به زندگی گشود و پس از گذراندن دوران تحصیل، کار اجتماعی را در خدمت قوه قضائیه آغاز کرد.

در دوره‌های پانزدهم و شانزدهم به نمایندگی مردم به مجلس شورای ملی راه یافت و از نخستین کسانی بود که بخاطر مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت به صف مصدق پیوست و این پیوند تا پایان زندگی خط سیاسی او را ترسیم کرد و بهیای سنگین آنرا با تحمل زندان و تبعید و ناگامی صمیمانه پرداخت.

در روز ۲۸ مردادماه، سال ۱۳۳۲، در اصفهان که استاندارش بود در برابر کودتاگران به ایستادگی برخاست ولی پس از چند ساعت نیروی اهریمنی این شهر قهرمان را نیز زیر سلطه گرفتند و کشاورز صدر دستگیر شد و به زندان تهران انتقال یافت.

پس از آزادی دیگر تا پایان عمر هرگز شغل دولتی نپذیرفت و زندگی را از راه و کالت دادگستری تأمین نمود.

در سال ۱۳۳۹ که حیات سیاسی جبهه ملی تجدید گردید، کشاورز صدر روز و شب در راه گسترش آن کوشید و سرانجام همراه دیگر رهبران به زندان کشیده شد.

صادق و صمیمی و بی‌ریا و به تمام معنا پاکباز بود. به مصدق عاشقانه می‌اندیشید، خطی خوش و قلمی گیرا داشت، شعر زیبا می‌سرود و از شاعران به سعدی ارادت می‌ورزید.

او در زمینه‌های حقوقی، ادبی، اجتماعی و سیاسی تالیفات بسیاری دارد که می‌توان از عقاب کم‌زبان، از رابعه تا پروین، مکتب سعدی، در قلمرو سعدی، آئین دادرسی مدنی، آئین و رویه دادرسی کیفری، طرق فوق‌العاده داور نام برد.

اثر جاودانی‌اش، وزیران محبوس و مقتول زیر سانسور «نظام آریامهری» رفت.

کشاورز صدر چنان پدری مهربان، یاور زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان بود. در سراسر زندگی او از انحصار طلبی و کجروی و سست پیمانی نشانی نیست و پیشوای در گذشته ملت درباره او چنین می‌نویسد، «افسوس که مملکت رجال فداکار نظیر جنابعالی کم دارد» کشاورز صدر در نیمه شب بیست و پنجم تیرماه ۱۳۵۳ بدنبال یک حمله قلبی چشم از جهان فرو بست. دستگاه استیضاح حتی از درج خبر مرگ او و برپائی مجلس آموزش‌خواهی جلوگیری کرد.

یاد آن رهرو راستین راه مصدق، آن آزاده، آن همیشه پدر گرامی باد

## گروهها، شوراهای و انجمنها مجاز به دخالت مستقیم در امور اداری نیستند

سخنگوی شورای انقلاب طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که برای دوری جستن از هرگونه نابسامانی و از بین رفتن مسئولیتها و جلوگیری از سستی مدیریت، مسئولیت اصلی انجام کارها با مسئول اصلی وزارتخانه یا سازمان دولتی بوده و گروهها و شوراهای و انجمنهایی که نسبت به اجرای کارها احساس مسئولیت شرعی و انقلابی مینمایند باید متوجه باشند که مجاز به دخالت مستقیم در امور و مسائل اداری نبوده و تنها از طریق گزارش امور به مدیریت است که میتوانند به سالم سازی سازمانهای اداری کمک نمایند.

در پایان این اطلاعیه آمده است که مواکداً یادآور میشود که وظیفه هرگونه اقدام و دخالت در امور اجرائی مربوط برعهده مسئولان واحد اداری است.

افسوس که این اطلاعیه یادآور «نوشداروی بعد از مرگ سهراب» است. و اکنون که نظام اداری کشور با دخالتهای بیجا بکلی درهم ریخته است، نمیتواند سودمند افتد.

## هم‌زمان ارجمند موسوی

باندوده فراوان در گذشت مادر گرمیتان راسلیت میگوید.

دبیرخانه سازمان شهرستان اصفهان حزب ملت ایران

حفظ حیثیت ذاتی بشردر گرامیداشت آزادی‌های فردی و اجتماعی است